

آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۰۸ آذر ۱۳۹۲

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

بیانیه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان بمناسبت شصت و نهمین سالروز نهضت 21 آذر هموطنان گرامی!



شصت و هشت سال از تشکیل دولت خود مختار ملی آذربایجان می گذرد. دولت یک ساله ملی آذربایجان بر خلاف خروارها اتهامات ناروا که از طرف نیروهای ارتجاعی و واپسگرا بر آن وارد آمده است،

همچنان به عنوان یک الگوی مناسب برای پاسخگویی به خواسته ها و حقوق بر حق خلق های ساکن کشور و استقرار دموکراسی پایدار در میان روشنفکران، آزادیخواهان و زحمتکشان کشور شناخته می شود. همه اسناد و موضع گیری های پیشه وری و دولت خودمختار ملی آذربایجان، به اتحاد و همبستگی همه کارگران و مردم محروم سراسر ایران و بست و گسترش سیاست های جاری در آذربایجان به همه نقاط ایران اصرار می ورزید. تلاش او و کابینه اش در جهت از بین بردن هرگونه ستم و تبعیض و نابرابری و برقراری رابطه متقابل آزادانه و برابر و یکسان برای همه شهروندان ساکن ایران بود.

در بیانیه دوازده ماده ای دوازده شهریور 1324 که بیانگر اهداف و بینش بنیانگذاران فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری بود، به صراحت بر امنیت ملی و منافع ملی کشور تاکید دارد. اتفاقا همین نکته محوری است که با منافع غارتگران و ارتجاع داخلی و خارجی در تضاد قرار می گیرد و خشم و کین آنان را بر می انگیزد.

ادامه درص ۲

سرباز راه آزادی

بمناسبت 120 مین سالروز تولد پیشه وری



میرجعفر پیشه وری، یکی از پر آوازه ترین انقلابیون معاصر ایران، بنیانگذار و رهبر فرقه دموکرات آذربایجان در سال 1272، در روستای زاویه سادات خلخال چشم به جهان

گشود. دوازده ساله بود که همراه والدینش برای پیدا کردن کار به قفقاز رفت. در آن سال ها به دلیل مشکلات اقتصادی، فقر و فلاکت و بی کاری هر سال عده ای راهی قفقاز می شدند. فریدون آدمیت، می نویسد: «تنها در 1904 برای پنجاه و چهار هزار و هشتصد و چهل و شش (54846) عمده معمولی ایرانی ویزای مهاجرت به روسیه صادر شد. در 1905، سیصد هزار ایرانی در آنجا مشغول کار بودند. پیشه وری از همان کودکی همراه با درس و کار به فعالیت های اجتماعی روی آورد. در این راستا با انقلابیون قفقاز آشنایی پیدا کرد. از مبارزات آنان آموخت و دانسته های خود را برای رهایی ایران از استبداد بکار برد.

پیشه وری، درباره زندگی خود، می نویسد: «... در زاویه سادات خلخال آذربایجان در سنه 1272 متولد شدم. در اثر حوادث و زد و خوردها در سن 12 سالگی با خانواده خود به قفقاز مهاجرت کردم و از آن تاریخ در تلاش معاش قدم گذاشتم. در مدرسه ای که تحصیل می کردم وارد کار شدم. آنجا مانند یک نفر مستخدم ساده خدمت کردم. پس از خاتمه مدرسه در همانجا به معلمی پرداختم... در این میان جنگ بین المللی و پشت سر آن انقلاب کبیر روسیه سر رسید. اقبانوس نهضت اجتماعی مرا هم مانند سایر جوانان معاصر از جای خود تکان داده به میدان مبارزه سیاسی انداخت.

ادامه درص ۴

اتحاد، مبارزه، پیروزی گرامی باد 16 آذر روز دانشجو



۶۰ سال از هجوم وحشیانه پلیس رژیم محمد رضا شاه به جنبش دانشجویی و به خاک و خون کشیده شدن دانشجویان مبارز دانشکده فنی دانشگاه تهران، می گذرد. شصت سال است

که پیشتازان جنبش دانشجویی کشور با وجود همه دشواری ها و با وجود اینکه شهدای زیادی در این راه داده اند، همچنان به پیکار دلیرانه بر علیه استبداد و ارتجاع ادامه می دهند. جنبش دانشجویی در طول سالهای طولانی همیشه فریادگر صادق خواستها و آرمانهای خلق های ایران بوده و در غیبت احزاب و سازمان های مترقی کشور بار آنها را نیز بدوش کشیده است. با تمام تلاشی که امپریالیسم و حاکمان استبدادی بخرج دادند تا جنبش دانشجویی کشورمان را از مسیر مردمی و انقلابی خود جدا سازند و دانشگاه و دانشجو را در خدمت قدرتمندان و زورگویان قرار دهند، تاریخ نشان داد که موفق نبوده اند.

ادامه درص ۵

در این شماره

- | | |
|-----|-------------------------------------|
| ۶ص | سخنرانی افشاگرانه سید جعفر پیشه وری |
| ۸ص | تاریخ امید شعر پیشه وری |
| ۹ص | صفر قهرمانی، قهرمانی از میان مردم |
| ۱۰ص | فرقه دموکرات آذربایجان |
| ۱۱ص | بحران سوریه و تاثیرات آن |
| ۱۲ص | آذربایجان ملی حکومتینین اعلامیه سی |
| ۱۳ص | نگاهی به بحران اقتصادی کشور |
| ۱۴ص | مسائل حاد محیط زیست و پیامدهای آن |

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

بیانیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان....

در بیانیه از جمله آمده است: «توام با حفظ استقلال و تمامیت ایران، لازم است به مردم آذربایجان آزادی داخلی و مختاریت مدنی داده شود تا بتوانند در پیشبرد فرهنگ خود و ترقی و آبادی آذربایجان با مرعی داشتن قوانین عادلانه کشور، سرنوشت خود را تعیین سازند.» و در جای دیگر تاکید شده است: «... ایمان داریم که اصلاح و ترقی آذربایجان موجب ترقی ایران خواهد شد و به این وسیله میهن از دست قلدرها و مرتجعین نجات خواهد یافت.» بازتاب نظریات اولیه بنیانگذاران فرقه دمکرات آذربایجان در اساسنامه مصوب کنگره سراسری نمایندگان آذربایجان نیز صراحت دارد و از جمله به آزادی‌های فردی، اجتماعی، آزادی وجدان و مطبوعات اشاره شده است. برای اولین بار در تاریخ سیاسی ایران، به زنان حق شرکت در انتخابات داده شد. حمایت و پشتیبانی گسترده کارگران، دهقانان، افسارمحرورم، روشنفکران و آزادیخواهان محلی و کشوری از تشکیل فرقه و پیوستن آنان به صفوف این تشکیلات همه نشان از برنامه های علمی، و منطبق با شرایط زمانی و خواسته های مردم بوده است.

فعالین فرقه دمکرات، از 19 آبان تا 29 آبان، در تمام نقاط آذربایجان تظاهرات و میتینگ‌های بزرگی را سازماندهی کردند. که عمده خواست‌های این میتینگ‌ها، همان تشکیل «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» بود. در این تجمعات رهبران و نماینده‌های فرقه در شهرستان‌ها و بخش‌های مختلف آذربایجان نیز پا به عرصه وجود گذاشتند. نمایندگان فرقه در این گردهمایی‌ها و سخنرانی‌ها از طرف مردم انتخاب شدند و در 29 آبان 724 نفر از این نمایندگان از طرف مردم آذربایجان وارد تبریز شدند تا در مجمعی که «مجمع ملی آذربایجان» خوانده شد، شرکت کنند. این مجمع، نامه سرگشاده به شاه و نخست وزیر و رئیس مجلس نوشت و در آن خواستار «حق خودمختاری» گردید. در ششم آذر ماه 1324، مجمع ملی انتخاباتی را برای انجمن‌های ایالتی و ولایتی ترتیب داد که پنج روز طول کشید. در این انتخابات نام انجمن ایالتی و ولایتی به «مجلس ملی» تغییر داده شد. اعضای فرقه در این مقطع زمانی حدود دویست هزار نفر تخمین زده می شدند.

روز 21 آذر 1324 - 12 دسامبر 1945 مجلس ملی آذربایجان، با حضور 75 نماینده از 101 نماینده انتخابی رسماً گشایش یافت. میرزا علی شیبستری، 47 ساله به ریاست مجلس برگزیده شد و همین مجلس ارگان‌های گوناگون دولت «ملی آذربایجان» را تعیین کرد. کابینه هم با شرکت ده نفر وزیر تشکیل گردید و سید جعفر پیشه‌وری به عنوان «باش وزیر» (نخست وزیر) انتخاب شد. کابینه دولت خود مختار آذربایجان فاقد وزیر جنگ و وزیر امور خارجه بود. پیشه‌وری، پس از اولین کنگره فرقه، روز دهم مهرماه 1324، در مقاله‌ای می‌نویسد: «شعارهای ما محرمانه و مرموز نیست و ما با افکار و اندیشه‌های مخالف استقلال و تمامیت ایران مبارزه می‌کنیم. ... تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی حق مشروع و قانونی ما است... پدران ما این حق را با زور و قهر و غلبه گرفته‌اند (حالاً) ما می‌خواهیم آن را از چنگال غاصبین بیرون بیاوریم...»

دولت ملی به رهبری پیشه‌وری، در 21 آذر 1324 از مجلس ملی رای اعتماد گرفت و بلافاصله با سرعت و با تمام قوا اقدامات مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در جهت سازندگی و بهبود منافع کارگران و مردم محروم آغاز کرد. فعالیت‌های فرهنگی و عمرانی گسترده‌ای را در عرصه

تدریس به زبان مادری در مدارس ابتدایی، تاسیس دانشگاه و مراکز تربیت معلم، اصلاحات اداری، بازسازی اقتصادی و حمایت از صنایع محلی، اصلاحات ارضی در روستاها، تشکیل شوراهای شهری و روستایی همراه با کمیته‌های نظارتی، تهیه قانون کار، تصویب قوانین مالیاتی که در آن مالیات بر مواد غذایی حذف شده بود، تشکیل کلاس‌های سواد آموزی، ایجاد فرستنده رادیویی و مراکز اطلاع‌رسانی و چاپخانه و دهها طرح و پروژه سازندگی و عمرانی را در دستور فعالیت‌های خود قرار داد. خیابان‌های اصلی تبریز آسفالت شدند. خیابان‌ها به نام ستارخان، باقرخان و دیگر قهرمانان انقلاب مشروطیت نام‌گذاری شدند. بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها تاسیس گردید. خانه‌های سالمندان به وجود آمد. یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات دولت خودمختار، تقسیم زمین بین کشاورزان و اصلاحات در حوزه کشاورزی بود. راهسازی گسترده آغاز شد.

روزنامه آذربایجان، در تاریخ پنجم اسفند ماه 1324، با اعلام شروع تقسیم اراضی نوشت: «تعداد املاک خالصه اعم از انتقالی، فروخته شده، بازخریداری و سایر انواع بالغ بر سه هزار پارچه آبادی است. املاک دشمنان حکومت ملی که آذربایجان را ترک نموده‌اند 437 پارچه می‌باشد که در آمار فوق منظور نشده است. با تقسیم این املاک به نظر می‌رسد یک میلیون نفر از دهقانان صاحب زمین خواهند شد. و متعاقب آن آنگهی مربوط به شروع تقسیم خالصجات در شهرهای میان‌آب، خوی، اهر و اطراف تبریز در تاریخ 24/12/7 از طرف وزارت کشاورزی آذربایجان انتشار یافت. روزنامه جبهه، ارگان حزب ایران، در سرمقاله هشتم مهر ماه 1325، شماره 258، نوشت: «... نهضت آذربایجان آزادی-خواه، اصلاح طلب و مترقی است. در آذربایجان املاک را تقسیم می‌کند، عوارض را حذف می‌نماید. تمام عملیات در جهت ترقی دادن سطح زندگی دهقانان انجام می‌گیرد و در آذربایجان در عرض یک سال، 500 مدرسه می‌سازند. بیمارستان‌های متعدد ساختند، دانشگاه تشکیل می‌دهند، کودکان و تیمارگاه آماده می‌کنند، یعنی در بالا بردن سطح دانش اهالی کوشش فراوان مرعی می‌دارند، با تمام قوا راه‌ها را تعمیر کرده خیابان‌ها را آسفالت می‌کنند، از ناامنی جلوگیری کرده در مقابل فساد به سختی مبارزه می‌نمایند. رهبران نهضت آذربایجان از آزادی‌خواهان مبارز قدیمی هستند که اغلب اهل فضل و دانشند...»

کنسول انگلیس نیز در تبریز، می‌نویسد: «... فرصت یافتیم با برخی از مقامات فرقه دمکرات ... به نظر می‌رسد آنان از قشر ماهر طبقه کارگر صنعتی هستند... اصلاحات ارضی دوستان زیادی برای حکومت محلی ایجاد نموده، برنامه‌های اشتغالزای برای بی‌کاران تولید اشتغال کرده، اصلاح اداری موجب کارایی دستگاه دولتی شده و این تحولات در مجموع پشتیبانی مردمی را به همراه داشته است.»

روزنامه کیهان، به قلم عبدالرحمن فرامرزی، نوشت: «آنچه که محقق است این است که در هر جای دنیا نهضتی بر ضد هیات حاکمه و وضع موجود بشود، به تهمت‌های زیادی متهم می‌گردند، من یقین دارم روزهایی که آذربایجانی‌ها نهضت مشروطه‌خواهی کرده بودند نیز در نزد هیات حاکمه و طرفداران وضع موجود، به همین گونه تهمت‌ها منسوب می‌گشته‌اند. قیام خیابانی و میرزا کوچک‌خان را به خاطر دارم که به همین نسبت‌ها متهم بود و در دولت ملی‌ترین اشخاص یعنی

بیانیه کمیته مرکزی....

مرحوم مشیرالدوله آن‌ها را اشرار و متجاسرین لقب دادند ولی امروز برای آن‌ها گریه می‌کنند و لقب آزادی‌خواه و مجاهد به آن‌ها می‌دهند.»

مردم غیور آذربایجان!

در آستانه برگزاری جشن شصت و نهمین سالروز جنبش 21 آذر قرار داریم. جنبش دمکراتیک مردم آذربایجان و جنبش دمکراتیک مردم کردستان در برهه حساس تاریخی که با شکست فاشیسم رقم خورده بود، به پیروزی رسیدند. بسیاری از کشورهای اروپایی از قید حکومت‌های فاشیستی و ارتجاعی رهایی یافتند. در این کشورها عموماً حکومت‌های ملی روی کار آمدند و برخی از آنها اقتصاد سوسیالیستی پیش گرفتند. در این اوضاع و احوال جنبش دمکراتیک مردم آذربایجان با پیشنه مبارزاتی پا به میدان گذاشت. بسط و گسترش این جنبش می‌توانست به جنبش دمکراتیک و ضد استبدادی کشور یاری نماید تا ایران برای همیشه از بند استبداد و ارتجاع رهایی یابد. موفقیت‌های بزرگ حکومت ملی آذربایجان در همان ابتدای کار و حمایت سراسری نیروهای مترقی و آزادیخواه از او تا جایی پیش رفت که دولت مرکزی مجبور شد دولت خودمختار آذربایجان را بعنوان یک واقعیت سیاسی بپذیرد. همین موضوع ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی را بوحشت انداخت. زمانیکه تمام توطئه‌های عوامل خانها، فئودال‌ها و مزدوران دولت مرکزی نتوانستند، جنبش 21 آذر را از پیشرفت و سازندگی بازدارند، ارتش شاهنشاهی با حمایت دولت‌های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، هجوم بی-رحمانه‌ای برای نابود کردن دولت ملی و سرکوب مردم آزادیخواه آذربایجان آغاز کرد. ارتش، آنچنان کشتار وحشیانه‌ای از مردم آذربایجان کرد که شاید ارتش‌های اشغالگر و متجاوز کمتر به چنین کاری دست زده باشند.

ارتشبد حسین فردوست، یار غار محمد رضا شاه در خاطرانش درباره حمله به آذربایجان، چنین می‌نویسد: «به دستور شاه در 22 آذر ماه عازم تبریز شدم تا پول مورد نیاز ارتش را به آن‌جا برسانم. فرودگاه تبریز همچنان می‌سوخت. مسیر راه پر از جسد بود. لیستی را نشانم دادند که حدود 2000 نفر را تیر باران کرده بودند.»

علاوه بر عملکردهای وحشیانه ارتش شاهنشاهی، مرتجعین و خوانین مسلح محلی نیز هر جا که اعضای فرقه و فدائیان را گیر می‌آوردند در جا به قتل می‌رساندند. بخشی زیادی از هوادارن و اعضای شناخته شده فرقه که از ترس جان به کوه‌ها و دشت‌ها و جنگل‌ها پناه برده بودند، از شدت سرما و گرسنگی و بیماری جان دادند و یا طعمه حیوانات وحشی و درنده شدند. در این میان نیز تعدادی از جمله پیشموری موفق شدند با گذشتن از رودخانه ارس، به آذربایجان شوروی پناهنده شوند.

بسیاری از مردم آذربایجان در سال‌های بعد، توسط حکومت مرکزی و به اجبار به مناطق جنوبی و شرقی کشور کوچ داده

شدند. تهدید و تعقیب و زندانی کردن کارگران و روشنفکران فعال سیاسی، در ابعاد گسترده‌ای با هدف تحت فشار قرار دادن جامعه آذربایجان و محروم کردن جامعه از رهبران و فعالین سیاسی و اجتماعی ادامه یافت.

ویلیام دوگلاس، قاضی آمریکایی که پس از تسخیر آذربایجان توسط ارتش شاهنشاهی به تبریز رفت، مشاهدات خود را چنین توصیف کرده است: «ارتش ایران، ارتش رهایی‌بخش در مسیر خود آثار خشونت برجای گذاشت. ریش دهقانان را آتش زدند. به ناموس زنان و دختران آنان تجاوز کردند، اموال خانه‌ها را به غارت بردند، دام‌ها را دزدیدند. ارتش از زیر هرگونه کنترل در رفت. رسالتش نجات دادن بود، ولی به غارت مردم غیرنظامی پرداخت و کشته‌ها و ویرانی‌ها پشت سر نهاد. زندان‌ها مملو از آذربایجانی‌های بی‌گناه است، چوب‌های دار و اعدام فراوان است. با ناسیونالیست‌ها نیز بدرقتاری می‌شود. دهقانان بیچاره را که برای دمکرات‌ها ابراز علاقه کرده بودند، در معرض توهین قرار دادند. یک دهقان پیر آذربایجانی به ما چنین گفت: مال و حیثیت ما را پایمال کردند، آثار این حوادث جگرسوز هرگز از خاطر آذربایجانی‌ها زوده نخواهد شد.»

پس از کشتار مردم آذربایجان، محمد رضا شاه از جنایت کاران رسماً تشکر کرد. برخی از نظامیانی که در این کشتار وحشی‌گری بیش‌تری از خود نشان داده بودند، به دریافت نشان و درجات افتخاری نایل شدند. بسیاری از مرتجعین محلی و مالکان و سران عشایر، حتی به وکالت مجلس رسیدند. آن گروه از روزنامه‌نگاران و روشنفکران که موضع عوض کردند و علیه پیشموری و دولت خودمختار آذربایجان، شدیدترین حملات را آغاز کردند. مورد تشویق و عنایت شاهانه قرار گرفتند. بدین ترتیب پس به خاک و خون کشیدن جنبش 21 آذر ارتجاع و حکومت استبدادی پهلوی و امپریالیسم جهانی جشن پیروزی گرفتند.

با گذشت نزدیک به هفت دهه از جنبش 21 آذر، آزادیخواهان، روشنفکران و مردم آذربایجان با گام‌های استوارتر و آگانه‌تر برای رفع ستم ملی و حقوق پایمال شده خود به مبارزه ادامه می‌دهند. زنان و مردان دلیر آذربایجانی علیرغم تمام دسپیس دشمنان از مبارزات حق طلبانه اشان یک لحظه نیز پا پس نکشیده‌اند. در طول تاریخ معاصر ایران هیچ جنبش و حرکت اجتماعی وجود ندارد که شیرزنان و دلیر مردان آذربایجانی پیشاپیش و یا دوشادوش دیگر خلقهای ایران شرکت نداشته باشند.

فرقه دمکرات آذربایجان به شما زنان و مردان سلحشور آذربایجان سالگرد جنبش 21 آذر را تبریک و برای تک تک شما آرزوی موفقیت و پیروزی دارد. بدون تردید اهداف و آمل پیشه‌وری و بارانش روزی بارور و خلق آذربایجان و دیگر خلق‌های ساکن کشور به سعادت و خوشبختی خواهند رسید.

گرامی باد خاطره و یاد شهدای نهضت رهایی بخش خلق آذربایجان

خجسته باد نهضت رهایی بخش 21 آذر

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان آذر 1392

فرقه دمکرات آذربایجان پروسه‌های منطقه‌ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی‌های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می‌دهد.
پیشه‌وری

سرباز راه آزادی...

اول از مقاله‌نویسی شروع کردم و سپس وارد خدمت شدم... نظر به صمیمیت و صداقتی که در کار داشتم مترقی‌ترین تشکیلات سیاسی ایرانیان مرا با آغوش باز پذیرفت. دستور داد روزنامه حریت را تاسیس و اداره کنم... من از جوانان ایرانی بودم که آزادی ملل روسیه (انقلاب روسیه) عملاً دخالت داشتم و در این کار بزرگ و پرافتخار علاوه بر مبارزه آزادی‌خواهی یک نظر ملی مرا تحریک می‌کرد. من می‌دانستم که نجات و سعادت ملت و میهن من در پیشرفت رژیم است که انقلابیون روسیه می‌خواهند و اگر غیر از لوی پرافتخار لنین بیرق دیگری در روسیه در اهتزاز باشد، استقلال و آزادی ملت ایر آن همیشه در معرض خطر خواهد بود. نهضت آزادی جنگل مرا هم مانند همه آزادی‌خواهان ایرانی جلب نمود. بدون فوت وقت به آنجا شتافتم... در آن جا هم پیوسته در صف اول بودم.

روزنامه‌ی نوشتن و سخنرانی می‌کردم. در شدیدترین دوره نهضت ملی گیلان، ملیون (کمونیست‌ها) تصمیم گرفتند مرکز فعالیت خود را به تهران انتقال دهند و در آنجا بر علیه استبداد و ارتجاع و زورگویی مبارزه کنند. پیش از هر کسی من مد نظر بودم. همه از من انتظار فعالیت و کار داشتند. من هم در نوبه خود تردید به خود راه نادم. فرونتها (جبهه‌ها) و جنگل‌ها و کوه‌ها را پیموده خود را به تهران رسانیدم. در آنجا عده بی‌شماری را پیدا کرده، دست به دست آن‌ها داده وارد کار شدم... ما در تهران علاوه بر سازمان‌های جدی سیاسی، شورای مرکزی اتحادیه کارگران را که اعضایش آن روز به هفت هزار نفر بالغ می‌شد موفق شده بودیم تشکیل بدهیم.

شورای اتحادیه کارگران، ارگان خود را تاسیس کرد. این روزنامه حقیقت بود. به استثنای چند مقاله که رفقای آزادی‌خواه آن روز می‌نوشتند تمام مقاله‌های روزنامه مزبور از قلم من تراوش کرده است... با پیدایش رضاخان جریان نبرد ما مجرای دیگری پیدا کرد. در اثر حبس‌ها و تبعیدها و اعدام‌های بی‌رحمانه که شروع شده بود ناچار شدیم رویه خود را تغییر بدهیم. چهار بار مراکز ما را به واسطه بازداشت و توقیف منحل کردند. ولی ما که خود را سربازان راه آزادی می‌دانستیم پست خود را ترک نکرده پنجمین مرکز را تشکیل دادیم. فعالیت مطبوعاتی خود را به اروپا منتقل کرده، روزنامه و مجلات خود را توانستیم از دیوار چینی که پلیس رضاخان دور ایران کشیده بود به ایران برسانیم. بالاخره در سال 1903 بازداشت شدیم... بالاخره بعد از هشت سال پنجاه و سه نفر از ما آوردند... در سال 1913 پس از بازداشت ده ساله خود از زندان مستقیماً به کاشان تبعید کردند. این تبعید برای من سخت‌تر از زندان بود ولی هرگز روح من مایوس نشد... (جعفر پیشه‌وری، «سرگذشت من»، آژیر، شماره 91، 15 مرداد 1322)

دکتر مصطفی الموتی، که از نزدیک با پیشه‌وری آشنایی داشت، می‌نویسد: پیشه‌وری، با سهراب سلطان‌زاده همکاری نزدیک داشت. در سال 1309، گرفتار و به ده سال زندان محکوم می‌شود. در سال 1317، با زندانیان سیاسی جدید آشنا می‌شود. جوانان که همه تحصیل کرده و کتاب خوانده بودند از دیدن ماها که هشت و نه و ده سال در زندان به سر برده و روحیه خود را نباخته بودیم تشویق شدند و ما را سرمشق خود قرار داده و نیروی معنوی گرفتند. بعد از ده سال زندان کشیدن به کاشان تبعید می‌شود و همان‌جا مجدداً با چند نفر دیگر زندانی می‌شود. بیست روز بعد از حمله متفقین به ایران از زندان آزاد و عازم تهران می‌شود. در تهران، روزنامه آژیر را با کمک باران هم‌فکر خود پی می‌ریزد. و شروع به کار می‌کند. حزب کمونیست ایران که ابتدا در محله «صابونچی» در باکو با عنوان «حزب عدالت» در ماه مه 1917 تشکیل و اسدالله غفارزاده به عنوان صدر این حزب انتخاب شد و در تابستان 1299 رسماً با عنوان «حزب کمونیست ایران»، موجودیت خود را اعلام کرد. پس از اولین کنگره حزب کمونیست ایران که در انزلی تشکیل شد، چهار نفر سخن‌گوی این حزب شمرده می‌شدند: کامران آقازاده (آقایف)، سلطانزاده، میرجعفر جوادزاده (پیشه‌وری) و حیدرخان عمواوغلی.

پیشه‌وری، در انتشار و همکاری با نشریاتی چون آذربایجان جزء لاینفک ایران، اکتیجی (کشاورز)، حقیقت، آژیر و ... نقش به‌سزایی داشت.

وی در روزنامه حریت و روزنامه‌های دیگر چپ مانند آذربایجان ففراسی (تنگستان آذربایجان)، یولداش (رفیق)، کمونیست، آذربایجان موقت حزبی انقلاب کومیت‌سینین اخباری (اخبار کمیته حزب انقلابی موقت آذربایجان)، مجله مشعل و...، ده‌ها مقاله به چاپ رساند؛ و سردبیری یولداش را نیز عهده‌دار بود. او، در این مقالات با بررسی اوضاع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران، راه حل انقلاب پرولتاری را در مقابل جامعه قرار می‌داد: «فقط یک انقلاب پرولتاریایی تداوم تاریخ ایرانیان را تضمین می‌کند.» (جعفر پیشه‌وری، «ایرانی لارا انتباره»، حریت، شماره 33، 21 نوامبر 1919، به نقل از «آخرین سنگر آزادی»، به قلم رحیم رئیس نیا)

روزنامه حقیقت، از اوایل دی ماه 1300 تا اوایل تیر ماه 1301 با مدیریت محمد دهگان انتشار یافت. گذشته از پیشه‌وری که از آغاز تا پایان در اغلب شماره‌های آن مطلب داشت، تعدادی نویسنده و شاعر نیز که غالباً به اتحادیه‌های کارگری و یا حزب کمونیست ایران وابسته و یا هوادار آن‌ها بودند با آن همکاری می‌کردند. (آخرین سنگر آزادی)

فریدون کشاورز می‌نویسد: «همان‌طور که در ابتدای صعود سردار سپه (رضاشاه) روزنامه حقیقت را منتشر می‌کرد پرفروش‌ترین روزنامه تهران بود، کریم کشاورز برادرم که با پیشه‌وری از سال‌های انقلاب گیلان دوست نزدیک و همکار بود در روزنامه آژیر با او همکاری می‌کرد.

در سال 1921 (1300) پیشه‌وری، برای شرکت در جلسات کنگره سوم کمینترن به مسکو رفت و دیگر به جنگل برنگشت، او از راه خراسان عازم تهران شد و پس از دو سه ماه بی‌کاری در روزنامه «حقیقت» به عنوان مترجم و نویسنده مشغول به کار گردید. در سال 1309 به اتهام فعالیت‌های کمونیستی دستگیر و 11 سال در زندان به سر برد. پس از آزادی روزنامه «آژیر» را 1324 منتشر کرد.

پیشه‌وری با اینکه بیشتر فعالیت خود را خارج از آذربایجان گذرانده بود، اما در میان اهالی آذربایجان از محبوبیت خاصی برخوردار بود. برای دوره چهاردهم مجلس شورای ملی خود را از تبریز نامزد کرد. در میان نا باوری نیروهای ارتجاع از حمایت همگانی برخوردار و بعنوان نماینده اول تبریز انتخاب گردید. اما اعتبارنامه او و هم‌رزمش رحیم خویی، با دخالت مستقیم ریاست جلسه توسط نمایندگان خوانین و ارتجاع که به مجلس راه یافته بودند، رد شد. پیشه‌وری در فرصت کوتاهی که در مجلس پیدا کرد سخنرانی آتشینی کرد و پرده از چهره مرتجعین و مستبدین حاکم بر کشور کنار زد. این مسئله بیشتر خشم و کینه آنان را برانگیخت.

پیشه‌وری، بار دیگر روانه تبریز شد و به مبارزه سیاسی و فرهنگی خود ادامه داد. تا این که او و همفکرانش با حمایت و پشتیبانی همه جانبه کارگران و مردم زحمت‌کش آذربایجان، فرقه دمکرات آذربایجان را تاسیس کردند. فرقه دمکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری دولت خود مختار آذربایجان تاسیس و در عمر کوتاه یک ساله، خدمات بسیار بزرگی در آذربایجان انجام داد. ارتجاع داخلی با مساعدت و کمک امپریالیسم آمریکا و انگلیس به آذربایجان لشکر کشی کردند. تحت "نجات آذربایجان" حمام خون راه انداختند. هزاران نفر را قتل عام کردند. پیشه‌وری و گروهی از رهبران و کادرهای فرقه مجبور به آذربایجان شوروی مهاجرت کردند. او در مهاجرت نیز ضمن سر و سامان دادن به زندگی صدها نفری که از خانه و کاشانه خود دور افتاده بودند، به آموزش و آماده سازی آنان برای برگشت تلاش می‌کرد. هنگام برگشت از یک ماموریت حزبی (20 تیر 1326) جان خود را در یک حادثه رانندگی از دست می‌دهد.

یاد و خاطره اش گرمی باد

اتحاد، مبارزه، پیروزی.....

جنبش دانشجویی با تمام وجود به مبارزه بر علیه استبداد و بی عدالتی ادامه داد و در سیر مبارزاتی خود جایگاه ویژه ای در میان خلق ها و زحمتکشان کشور بدست آورد. در تاریخ معاصر ایران جنبش دانشجویی در جریان مبارزات خلق های کشور برای رسیدن به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در صف مقدم مبارزات مردم بر علیه نظام های دیکتاتوری و استبدادی قرار داشته است. این جنبش ریشه در سنن مبارزاتی انقلاب مشروطیت دارد و در تمام مبارزات خلق های ایران بر علیه ستمگری ها و بی عدالتی ها نقش بارز و تعیین کننده ای داشته است.

جنبش دانشجویی ایران با تاسیس مدارس عالی و نخستین دانشگاه ایران در تهران آغاز و در سیر تکاملی خود به مبارزات ضد استبدادی علیه رضا شاه می پیوندد. و خیلی زود به عنوان یک نیروی آگاه تحول طلب وارد صحنه فعالیت اجتماعی کشور می شود. اعتصاب دانشجویان دانشسرای عالی در سال 1315 در شکستن سکوت فضای خفقان آور آن زمان نقش بسزایی داشت. این اعتصاب و اعتصابات دیگر در دانشکده فنی، پزشکی، حقوق، علوم و ادبیات دانشگاه تهران در سالهای 1315-1316 نشان رشد آگاهی و مبارزاتی دانشجویان آن دوره بود.

با سرنگونی رضا شاه در شهریور 1320 و آزادی های نسبی که بوجود آمده بود فعالیت دانشجویی نیز راه تشکل و سازماندهی جدیدی پیمود. این فعالیت ها به پایه گذاری اتحادیه دانشجویان دانشکده های پزشکی، داروسازی، دندان پزشکی و آموزشگاه عالی مامایی، دانشکده های فنی، علوم و علوم کشاورزی انجامید. پس از سرکوب نهضت دمکراتیک آذربایجان، جنبش دانشجویی نیز زیر فشار و تضعیفات قرار گرفت. اما از سال 1326 آرام آرام فضای ایجاد شده را می شکنند و اوج می گیرند پس از ترور نا فرجام محمد رضا شاه در بهمن ماه 1327 سرکوب دانشجویان آغاز می شود. مسئولین رژیم در دانشگاهها کوشیدند در سال تحصیلی 1328 - 1327 دانشجویان را وادار کنند که با تعهد از هرگونه فعالیت صنفی و سیاسی محروم سازند. مبارزه بر علیه اقدامات مسئولین دانشگاهها به "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" منجر شد. در جریان اعتصاب 4 ماهه دانشجویان دانشکده پزشکی در سال 1329 دانشجویان به فکر افتادن تا یک سازمان متشکلی بوجود آورند. سرانجام در اردیبهشت ماه همان سال در گردهمایی بزرگی "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، را تاسیس کردند. در دوران ملی شدن نفت مبارزات آزادیخواهی و ضد امپریالیستی دانشجویان به اوج خود رسید. در پی کودتای خونین 28 مرداد که توسط سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا سازماندهی و با همکاری نیروهای ارتجاعی داخلی صورت گرفته بود، بلافاصله تعداد زیادی از دانشجویان مبارز را دستگیر و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران را غیر قانونی اعلام کردند. اما دانشجویان بر علیه این توطئه ارتجاع و امپریالیسم به پا خاستند و به مبارزه ادامه دادند. نخستین اعتصاب یک پارچه نیروهای ملی و وطن پرست بر علیه کودتا در 16 مهر 1332 سازماندهی شد. در این حرکت اعتراضی برای دفاع از استقلال کشور همه نیروهای ملی به رهبری حزب توده ایران، جبهه ملی و جمعیت مبارزه با استعمار شرکت داشتند. در آبان ماه همان سال به دعوت جمعیت ملی مبارزه با استعمار بار دیگر تظاهرات گسترده ای برای تامین آزادیهای دمکراتیک، آزادی

مصدق و دیگر زندانیان سیاسی و ... سازماندهی شد. دانشجویان با تعطیل دانشگاهها به گردهمایی اعتراضی مردم پیوستند. سرانجام در یک هماهنگی گسترده دانشجویان دانشگاه تهران در 16 آذر 1332 علیه بسط و گسترش روابط دیپلماتیک با بریتانیا و دعوت از ریچارد نیکسون، معاون آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا و انزجار از این دو کشور به خاطر طراحی و سازماندهی کودتا به اعتراضات مردم تهران پیوستند. دولت بر آمده از کودتا برای اشغال دانشگاه و دستگیری دوتن از دانشجویان دانشکده فنی به کلاس درس هجوم بردند. که با اعتراض و دانشجویان روبرو گردیدند. رئیس دانشکده فنی در اعتراض به این عمل شرم آور و نقض استقلال دانشگاه و زیر پا گذاشتن مراکز علمی تعطیلی دانشکده را اعلام کرد. در پی این کار خشم دانشجویان بر انگیزته شد و شعار "دست نظامیان از دانشگاه کوتاه"، "درود بر مصدق" و "اتحاد، مبارزه، پیروزی" سراسر دانشگاه را پر کرد. نظامیان حکومت کودتا با رگبار مسلسل پاسخ دانشجویان را دادند. سه تن از دانشجویان مبارز مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی (از اعضای سازمان جوانان حزب توده ایران) و احمد قندچی (عضو جبهه ملی) با ضربه گلوله به شهادت رسیدند. و عده زیادی زخمی و دستگیر شدند. در روزهای 17 و 18 آذر دانشجویان، دانش آموزان به همراه مردم تهران دست به تظاهرات گسترده زدند. گسترده گشتی اعتراضات به حدی بود که دولت کودتا مجبور شد از عمل جنایتکارانه نظامیان ابراز ندامت کند. از آن پس روز 16 آذر بعنوان روز دانشجو و روز مبارزه بر علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیسم ثبت و شناخته شد.

نقش دانشجویان کشور در پیروزی انقلاب بهمن 1357 و دفاع از اهداف انقلاب و آزادی ها در سی و چند ساله تاریخ کشور غیر قابل انکار است. به همین خاطر در تمام این سالها جنبش دانشجویی به همراه نیروهای مترقی کشور زیر فشار نیروهای واپسگرا و ارتجاعی حاکم بر کشور بوده است. در همین رابطه عده ای جان خود را از دست داده اند، صدها دانشجو دستگیر و راهی زندان شده اند. هزاران نفر از تحصیل محروم شده اند. هجوم به کوی دانشگاه و کشتار خونین دانشجویان، ستاره دار کردن بسیاری از دانشجویان دگر اندیش و اخراج دهها استاد دانشگاه و ایجاد جو نظامی - امنیتی محیط دانشگاهها از جمله عملکرد رژیم ولایت فقیه علیه دانشجویان و کادر علمی دانشگاهها بوده است تا آنها را به عقب نشینی و پذیرش وضع موجود وادار کنند. علیرغم این همه جنبش دانشجویی همراه با مردم به مبارزه ادامه داد و نقش حساس و مهمی در تحولات سیاسی سالهای اخیر ایفا کرده است. در شرایط حساس تحولات منطقه و شرایط غیر قابل پیش بینی کشور، جنبش دانشجویی، وظیفه سنگینی بدوش می کشد. این جنبش در شرایطی که سازمانهای سیاسی دگر اندیش از فعالیت علنی در کشور محرومند، نقش تعیین کننده ای را باید بعنوان حلقه واسط بین گردانهای رزمنده با جنبش جوانان، زنان، کارگران، زحمتکشان و جنبش های ملی برای دفاع از بسط و گسترش آزادیهای واقعی و صیانت از استقلال و عدالت اجتماعی بازی کند. تجربه دهها سال اخیر نشان میدهد که دانشجویان با اتحاد و سازماندهی می توانند پیروزی های مهمی کسب کنند. دلیل این موفقیت آن است که مبارزات دانشجویی برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی با مبارزه مردم علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیسم، پیوند دارد.

سخنرانی افشاگرانه سید جعفر پیشه‌وری در دوره ی چهاردهم مجلس شورای ملی



بالنتیجه ملت از مجلس ناراضی خواهد شد. و می‌خواهم یک قدری جسارت کنم و عرض کنم که متفکر خواهد شد. برای اینکه مردم می‌بینند بعد از شهریور یعنی بعد از سقوط دیکتاتوری که تمام تقصیرات را گردن یک شخص گذارده بودند، چندان تغییری در عملیات پیدا نشده است. و متأسفانه بنده در روزنامه‌ها می‌خواندم که عملاً کار مجلس روی شخصیت‌ها و منم و منم‌ها و اله کردم و بله کردم اداره می‌شود. در صورتیکه در این موقع خطرناک و باریک باید یک هدف معین و واضح و روشنی باشد تا مجلس بتواند یک دولتی درست بکند که آن هم هدف داشته باشد و به درد ملت بخورد (صحیح است). کلاه خودتان را قاضی بکنید. بنده در آن جاهای تاریک در آن کلبه‌های محقر که بچه‌های هشت ساله و شش ساله دارند کار می‌کنند، وارد شدم. دیدم آنها شما را نمی‌شناسند و شما را از خودشان نمی‌دانند. آنها می‌گویند دولت در فکر ما نیست. گرسنه هستیم، نان نداریم و هیچ چیز نداریم و معلوم نیست که دولت چه کاری می‌کند. وقتی که من به تبریز وارد شدم، دیدیم برای هر بیمارستانی که در تبریز است. برای هر بیمارستانی سی هزار تومان تقاضا کرده بودند و چهارده هزار تومان تصویب شد. در صورتیکه برای مریضخانه‌ی پنجاه تختخوابی که حساب کردیم، برای هر بیماری که یک تومان حساب شود، پنجاه و پنج هزار تومان خرج آن می‌شود و نسبت به آن چهارده هزار تومان که حساب کردند، نسبت به هر بیماری دو ریال می‌رسد. این را شما حساب کنید. پنجاه و پنج هزار تومان بودجه‌ی بهداری تبریز است. این را که ما حساب کردیم برای اهالی آذربایجان و قسمت کردیم ببینیم برای هر نفر چقدر خرج می‌شود، دیدیم به هر نفری به قیمت یک سیگار هم نمی‌شود. این دو مریضخانه امروز تعطیل است. مریض هم نمی‌تواند منتظر باشد مجلس شورای ملی جلسه‌ی مخصوص تشکیل بدهد که نقره‌ها را بفروش یا بفروشد. او درمان می‌خواهد. چاره می‌خواهد. الان در تبریز دو بیمارستان که هست هر دو تعطیل است. (بعضی از نمایندگان- همه جا تعطیل است) این است که بنده خیال می‌کنم وظایفی که به گردن آقایان گذاشته شده است و این دونه‌گی‌هایی که ما با آقایان کردیم و آمدیم این کرسی‌ها را اشغال کردیم، یک وظایف سنگین را به عهده‌ی ما گذاشته است. البته سیاست خارجی ما خیلی روشن است. اینهم یا از خود ما بود یا از یک شخص بصیری بود که یک وقتی یک پیشنهادهایی کرد، که امروز سیاست خارجی ما روی آن پیشنهاد خیلی روشن است. در قسمت کارهای داخلی و سیاست

ادامه در ص ۷

اولا بنده خیلی متأسفم که چندین بار خواستم و نوبت به بنده نرسید و ترتیبات حرف زدن و اجازه خواستن یک طوری است که متأسفانه اشخاصی که کم رو هستند یا ناشی هستند کمتر موفق می‌شوند حرف بزنند. بنده از روزی که آمده‌ام، یک پیغام‌ها و یک سفارشات‌های اهالی تبریز برای مجلس شورای ملی فرستاده‌اند، که مقتضی بود زودتر به عرض مجلس شورای ملی برسانم. ولی بنده موفق نشدم. و امروز هم وقت تنگ است و نمی‌توانم به تفصیل به عرض آقایان برسانم. و حالا می‌خواهم هر چه ممکن شود نه مثل یک نفر وکیل آذربایجان بلکه مثل یک نفر مدیر روزنامه، مثل یک نفر مخبر روزنامه که در جریان زندگی اهالی وارد شده‌ام، آنها را به عرض آقایان برسانم و آقایان هم اطلاع پیدا کنند که ما چه می‌گوییم و مردم چه می‌خواهند. و خواهش می‌کنم آقایان یک قدری توجه بفرمایند. قبل از اینکه وارد پیغام‌های آقایان آذربایجانیها بشوم، می‌خواستم راجع به حساسات خصوصی، عریضی عرض بکنم.

بنده نمی‌دانم برای یک موضع‌هایی که روزنامه‌ها می‌توانند بحث بکنند، تمام روزنامه‌های داخله و خارجه هم بحث می‌کنند و در هر جا می‌نویسند و در روزنامه‌های خودمان هم ممکن است نوشت، برای این قبیل مطالب چرا جلسه خصوصی تشکیل می‌شود؟ این کار واقعا هیچ معنی ندارد که مدتی مدیران جراید و تماشاجی‌ها معطل شوند و جلسه‌ی خصوصی برای یک موضوع عادی تشکیل شود. که از آن جلسه هیچ نتیجه‌گیری نشود. البته این قاعده چه به عقیده‌ی من از اول بد گذاشته شده است. در صورتی که باید مطالب به صورت لایحه در بیاید و به مجلس داده می‌شود و بعد می‌رود به کمیسیونها و در فراکسیونها هم اظهار نظر می‌کنند و تصویب می‌شود. دیگر جلسه‌ی سری و جلسه‌ی خصوصی نمی‌خواهد. این وقت تلف کردن نمی‌دانم برای چیست. الان چندین ماه از عمر این مجلس گذشته و هیچ کاری برای مملکت نشده. تا امروز هنوز بودجه‌ی تفصیلی کشور به مجلس نیامده و شما آمده‌اید یک اختیاراتی داده‌اید و یک قانونی وضع کرده‌اید که بر طبق سال گذشته یک مخارجی بشود و یک خرج‌هایی هم بشود. ولی معلوم نیست که نمایندگان امروز با آن عقایدی که نسبت به بودجه دارند با آن عقایدی که بودجه‌ی سال گذشته را تصویب کرده بودند موافق‌اند و یا موافق نیستند. و باید بودجه به مجلس بیاید و ما هنوز از بودجه اطلاع نداریم. و فردا هم می‌آیند و یک دوازدهم، چهارم را می‌آورند و می‌گذرانند، شروع می‌کنیم به خرج کردن. در صورتیکه اساس کار مجلس شورای ملی نظارت در بودجه و رسیدگی به جمع و خرج مملکت است و برنامه‌ی دولتها باید روی بودجه باشد و این کار از هر چیزی مهمتر است. حالا من نمی‌خواهم زیاد روی این موضوع بحث کنم. وقتی که من می‌آمدم، آذربایجانیها دو موضوع را به من سفارش کرده‌اند که اینجا مذاکره کنم. یکی اینکه مجلس شورای ملی باید مرکز ثقل مملکت باشد و اینجا مرجع مردم باشد و احتیاجات روزانه‌ی مردم و کارهای مردم در پشت این تریبون باید انعکاس پیدا کند و مردم بتوانند به این اعتماد پیدا بکنند. ولی فعلا ما نمی‌توانیم بگوییم کارهایی که کرده‌ایم مطابق میل مردم بوده است و فعلا هم کاری که می‌کنیم مطابق میل مردم است. و حالا هم اگر این طور ادامه پیدا بکند گمان می‌کنم ما بین مجلس و ملت یک دیوار بسیار ضخیمی مثل دیوار چین حایل خواهد شد و

داخلی هم اگر یک دولت خیلی مقتدر و محکمی باشد که تکیه اش به ملت باشد و ملت او را بشناسد و تکیه اش به مجلس باشد و اکثریت مجلس از روی یک نظریات صحیحی و از روی ایمان نه از نظرهای خصوصی و اینکه من اله می کنم بله می کنم، او را تقویت کند، تصور می کنم وضع داخلی هم روشن بشود. ولی به شرط اینکه، اگر نظرهای خصوصی هم داشته باشیم، زیر پا بگذاریم و برویم به طرف ملت و نظریات آنها را تامین کنیم. البته شما می گوید که برای هر کاری باید لایحه بیاورد در مجلس تصویب شود. ولی من نمی دانم که احتیاجات مردم را چطور می شود به این ترتیب تامین کرد. این مریضخانه که الان تعطیل است، چقدر می توانند مردم صبر کنند. بیمارها چقدر بمانند تا لایحه و محل اعتبار خرج این مریضخانه ها بگذرد؟ یک کسی که زیر اوتومبیل برود، اگر یک جایی نباشد که اقل او را ببرند پانسمان کنند و یا صورت مجلس تهیه کنند که این شخص زیر اوتومبیل رفته است، این را من نمی دانم می خواهند چکار کنند. اگر دولت اکثریت ندارد و لایحه نمی آورد به مجلس، برای اینکه می ترسد اکثریت مجلس موافقت نکنند. یک چنین دولتی که از اکثریت مجلس می ترسد، آن دولت نمی تواند کار کند. باید یک دولتی بیاورد که بداند اکثریت مجلس پشتیبان او است و پشتیبان اکثریت مجلس هم باید ملت باشد و ملت باید احساس کند که اکثریت مجلس به دردهای او می رسد. باید بفهمد که مجلس به او بهداری می دهد. یک قانون از مجلس سیزدهم گذشت که نمی دانم واقعا از روی عقیده و تحقیقات بود و یا اینکه می خواستند واقعا خودشان را حق به جانب نشان بدهند. و آن قانون تعلیمات عمومی بود. الان در تبریز از تمام دبستانها و دبیرستانهایی که هست، فقط شش تا دولتی است و بقیه اش ملی است. بنده رفتم، دیدم آن اطافهائی که بچه ها در آن درس می خوانند، شما اسبستان را نمی بینید. برای اینکه این قدر خراب است که اطمینان نمی شود کسی آنجا باشد. به آموزگار هم ماهی سی تومان حقوق می دهند. یک آموزگاری که ماهی سی تومان یا چهل تومان حقوق می گیرد، چطور می تواند بچه های شما را درس بدهد و تعلیم بدهد. و شما هم مدعی هستید که ما داریم تعلیمات عمومی را اجرا می کنیم. برای تمام آذربایجان یک دبستان فقط از محل اعتبار تعلیمات عمومی در نظر گرفته شده است (فریور - آنها که عملی نشد). آن وقت شما حساب کنید ببینید در عرض چند سال با این ترتیب می توانید این کار انجام بدهید. به عقیده ی من باید مجلس این چیزها را از دولت بخواهد. و از دولت بخواهد که بودجه بیاورد. اگر این دولت نمی تواند و موفق نمی شود، یک دولت دیگری تعیین کنید که این کار را انجام بدهد. باید دولتی بیاورد که بهداشت مردم را درست کند. فرهنگ مردم را درست کند. این چیزها را درست کند و به دست مامورین خودش بسپارد که آنها این دردهای مردم را دوا کنند. اینکه احساس می کنید من عصبانی هستم، علت آن این است که آن اشخاصی با بنده حرف می زنند، از من عصبانی تر بودند. بنده در روزنامه نوشتم که یک روز بود که هر کس برای خودش زندگی می کرد. ولی باید امروز برای مردم کار کنیم. یک مجلسی بود که بنده رفتم یک روز آنجا صحبت کردم. بعد از تمام شدن صحبت، یک کارگری روی مرا بوسید و من در آنجا گفتم که من نمی روم به این مجلس برای اینکه مردم از من یک انتظاراتی دارند و من تصور نمی کنم که بتوان انتظارات مردم

سخنرانی افشاگرانه....

حاجی عظیم خان نشستم و صحبت کردیم. او می گفت وقتی که ما علم مشروطیت را بلند کردیم، هشت نفر باقی ماندیم. به ما پیشنهاد شد که تسلیم شویم. ما تسلیم نشدیم. شصت و دو دولت دنیا باید زیر بیرق آزادی در بیایند. آذربایجانی نمرده است. آذربایجانی وطن پرست است. آذربایجانی به مملکت علاقه دارد. او را نباید خرد کرد. باید از حیث فرهنگ و بهداشت و فلاح و از هر حیث به او کمک کرد. برای اینکه پشتیبان بزرگ ملی مجلس شورای ملی است. آذربایجانی می خواهد این مجلس ملعبه ی دیکتاتوری نباشد. بدبختانه این ننگ را برای ما باقی گذاشتند که اشخاصی که می خواستند دیکتاتور بشوند و می خواستند حقوق ملت را زیر پا بگذارند، از این مجلس و تریبون سو استفاده می کردند. بنده اینجا استفاده می کنم که مجلس باید به فکر شهرستانها باشد و به شهرستاها توجه داشته باشد. زیرا در روزنامه خواندم که در سقر اراک یک شخصی توی خیابان مرده و سه روز نعش او در خیابان مانده بود و نعش را گریه خورده بود. هیچکس به فکر این نیفتاد که این را از وسط شهر بردارد. زیرا جریت نمی کردند و می گفتند اگر ما به این مرده نزدیک بشویم، می گویند این را کشته اند. بالاخره بعد از مدتی نمی دانم چه کسی گزارش داد. بعله تنها اراک این طور نیست. همه جای ایران تصور می کنم اینطور باشد. همینطور باشد. اصلا امنیت مالی و جانی و شخصی از بین رفته است. دولت هر ماموری که می فرستاد، آن مامور یک نفر ژاندارم همراه داشت. بنده ساده می گویم که در یکی از دهات آذربایجان، در صوفیان دیدم که سماور شخصی را دزدیده بودند و این رفته بود شکایت به ژاندارم کرده بود که سماور مرا دزدیده اند و همه ی همسایه ها شهادت داده اند که این سماور مال من است. گفته بود چون شما به آن اشخاصی که ما می خواستیم رای نداده اید، به این جهت ما رسیدگی نمی کنیم. و امضا نکرده بود. گفتم به شما چه که ما به آن اشخاص رای نداده ایم. با دین و مذهب و مسلک و عقیده نباید کار داشته باشید. شما یک نفر مامور دولت هستید. یک نفر ارمنی، یک نفر تبعه ی خارجه، وقتی که رجوع می کند، شما باید حق او را حفظ کنید. شما با عقیده ی او چکار دارید. شما باید حق او را بدهید. شما مجبورید که این کار را بکنید. این چیز ها یکی دو تا نیست. زیاد است و همه جای مملکت همین طور است. مجلس باید تمام اینها را در نظر بگیرد و باید آنها را رفع بکند. اگر رفع نکرد تقصیر خودش است. وقتی که مجلس این طور کار می کند، دیگر نباید از دولت زیاد انتظار داشته باشد.

دستور نباشد. ولی باید دردها را علاج کنیم. چون یکی از آقایان نمایندگان می گفت ما باید حرف بزنیم. این بدبختی است. ما را برای حرف زدن نفرستاده اند. ما را اینجا فرستاده اند که مملکت را در این موقع سختی و بدبختی از روی بصیرت اداره کنیم. از روی یک سیاست روشن و تاکتیک دقیقی اداره کنیم. البته باید دولت اداره کند. ولی راهنمای دولت باید مجلس باشد و مرکز ثقل دولت باید اینجا باشد. مرکز ثقل کار باید مجلس باشد. کار را باید اینجا یاد بدهند. وقتی که مجلس محترم شورای ملی سر موقع تشکیل نمی شود، آن وقت شما از یک نفر مامور دولت که در فکر رتبه است و درجه می خواهد، چه انتظاری دارید. وقتی که کار شما منظم نیست، وقتی شما فکر می کنید وقتی دولت لایحه آورد، ما جلسه تشکیل می دهیم، دیگر چه انتظار دارید که وزرا برای شما کار بکنند. چه انتظار دارید که فلان ثبات برای شما کاری انجام دهد. در این اداره ها روی کارهای سخت و زیاده روی، کارها بطوری انباشته شده است که اگر یک وزیری بخواهد عریضه بنویسد، باید یک ماه، چهل روز، شصت روز صبر بکنند و منتظر باشند تا آنکه آن عریضه بدست وزیر برسد. و یک ماه باید منتظر باشد تا به چه نتیجه رسیده است. تازه اگر در جریان کار از این میز به آن میز عرضه گم نشود، اسباب خوشبختی خواهد بود. این است که باز تکرار می کنم که آذربایجانها از مجلس و این دوره، مخصوصا انتظار دارند که آن سیاست نحسی که می خواستند آذربایجان را خرد بکنند، تکه تکه بکنند. می خواستند تیریزی را که علم آزادی را بلند کرده بود، نباشد و از بین برود. برای اینکه می ترسیدند یک مرتبه ی دیگر آن آتش مقدس که از آنجا بلند شده و این مملکت را نجات داده، دو مرتبه آن آتش بلند شود. آذربایجانها می گویند که مجلس را خیلی مقدس می دانیم و خیلی انتظار داریم که برای ما کار بکند. علاقه داریم که مرکز مملکت شود. و خیلی هم با قلب لرزان انتظار داریم که برای ما کار بکنند. ولی در عین حال نباید به آن نظری که روسای سابق به ما نگاه می کردند، به نظر فشار و زور و به نظر تعدی نگاه می کردند، حالا به ما نگاه کنند. ما هم یک قسمتی از مملکت هستیم. ما هم حق داریم که از وسایل مادی و معنوی این مملکت استفاده کنیم. در تیریز امروز یک روزنامه نیست. در صورتی که یک ایالت بزرگی است که در موقعش یک روزی آزادی برای ما گرفته است. من وقتی رفتم خانه ی سردار که برادر پیری دارد، با

تاریخ امید

پیشه وری

سنی تک بیر آنا دئیل،
سنی خلقین ئوزو دو غوب .
سنین فکرین، عقیده نسه،
بیزی دو غوب.

«یاددان بیزه آنا اولماز»
دایه لرین بوخدور بیری.
ئوز یوردونا آنا دندیم،
ئوز خلقینه آنا دندیم،
سید جعفر پیشه وری

ظلمت قورخدو چکدی چوکون،
گونشدن نور داشیدین سن.
پاشامادین ئوزون ایچون،
خلقین ایچون یاشادین سن

آز ادلیغا چاغیریردین،

آز ادلیغا هر ملتی.

زمان ئوزو ویردی سنه

بو قوروو، بو هونری،

سید جعفر پیشه وری.

هر جمله نی هر یازینی

دونه - دونه ئویره نیریک

سن توتدوغون یول - یولوموز،

سنینله بیر یول گیدیریک .

دشمنلرین بیغین - بیغین،

یارپاقلار تک خزان اولدو

سنین زیرون اوجالیغین

۲۱-ی آذر اولدو.

آپاریریق گله جه یه

قلبیمیزده بو سحری،

سید جعفر پیشه وری

صفر قهرمانی، قهرمانی از میان مردم خواست من آزادی تمام احزاب است و آزادی تمام زندانیان سیاسی."



ایام صفرخان همراه عده ای از همزمانش به فرقه دمکرات آذربایجان پیوستند و با درجه سروانی مبارزات خود را ادامه داد.

در پی تهاجم خونین ارتش شاه به آذربایجان و سرکوب جنبش ۲۱ آذر، دوره در بدری و اسارت صفرقهرمانیان آغاز میشود. مدتی در منطقه آذربایجان و سپس در مناطق مرزی ایران و عراق بسر میبرد و در عراق گرفتار و به زندان اربیل فرستاده میشود، موقعی که از بده بستان های دولتهای ایران و عراق در تعویض پناهندگان و زندانیان دوسوی مرزها خبر میگردد، از زندان اربیل فرار و به طرف مرزرفته وارد خاک ایران میشود.

صفرخان پس از مدتی زندگی مخفی در ایران توسط مامورین و جاسوس های حکومت شناسایی و روز ۱۸ اسفند ۱۳۲۷ در ارومیه دستگیر و پرونده وی به دادگاه نظامی فرستاده میشود. دادگاه نظامی دوبار رای به عدم صلاحیت خود میدهد و پیگیری پرونده به دادگستری احواله میشود. ولی با اعمال نفوذ مالکین و فئودالها که هنوز عطش انتقامشان پس از این همه کشتار در آذربایجان فرو کش نکرده بود، و به چیزی جز حکم اعدام او راضی نبودند، پرونده مجدداً به دادگاه نظامی عودت داده شد.

در آذر ماه ۱۳۲۹ درست ۴ سال پس از سرکوب وحشیانه جنبش، وقوع و قمع دولت ملی آذربایجان، صفر خان در دادگاه نظامی به اتهام قیام مسلحانه علیه امنیت کشور و براندازی نظام به اعدام محکوم گردید. و پس از ۵ سال بلاتکلیفی و انتظار و دلهره بر اثر اعتراضات جهانی، سرانجام در سال ۱۳۳۳ حکم اعدام وی به جیبس ابد تقلیل یافت.

صفرخان تا سال ۱۳۳۷ در زندان های آذربایجان بسر می برد و در این سال به زندان مخوف برازجان فرستاده میشود. زندانیان دیگری، از جمله کاک عزیز یوسفی و کاک غنی بلوریان و جلیل گادانی از رهبران حزب دمکرات کردستان را هم به آنجا منتقل میکنند. مهندس مهدی بازرگان، عزت الله سبحانی، دکتر شیبانی و افسران سازمان نظامی حزب توده ایران نیز مدتی با صفرخان

ادامه درص ۱۰

صفرقهرمانیان (صفرخان) مظهر مقاومت مردم آذربایجان علیه ستم و بیداد، فاتح بیدادگاه های رژیم پهلوی، انسانی شریف و بی آلایش، مردی که از میان مردم برخاست ظلم و جور حاکمیت و فئودال ها را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس کرد. یک تنه بر علیه ظلم قیام کرد و در مسیر راه خود به دریای خروشان مبارزات مردم پیوست. به مین جرم مورد کینه و نفرت رژیم استبدادی شاه قرار گرفت. پس از مدتی تعقیب و گریز در ۱۸ اسفند ۱۳۲۷ در شهر ارومیه دستگیر و زندانی شد. در آستانه انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ پس از سی سال زندان روی دوش مردم از زندان آزاد شد. او که به خاطر مقاومت و ایستادگی بر سر آرمانهای خود از طرف زندانیان سیاسی "صفرخان" نامیده می شد. و از طرف مردم ایران و آزادیخواهان جهان مورد احترام خاصی برخوردار بود، هیچگاه به خود و مبارزاتش نبالید و به خبرنگارانی که از او پرسیده بودند چه حسی دارد که پس از سی سال زندان آزاد شده است، میگوید: "... برای من درک کلام زیبای آزادی هنوز امکان پذیر نیست. بعد از ۳۰ سال، این آزادی غیر مترقبه است. من مدیون مردم هستم... من این آزادی را که به کوشش مردم به دست آمده، گرامی میدارم". "... از من میپرسید چه آرزویی دارم؟ من به صراحت میگویم خواست من آزادی تمام احزاب است و آزادی تمام زندانیان سیاسی".

صفر قهرمانی صفرخان در سال ۱۳۰۰ شمسی در روستای شیشوان عجب شیر، که سبز و خرم در کنار دریاچه ارومیه و در دامن رودخانه پر آب قالا جای آر میده است، به دنیا آمد. نام مادرش، گوهر تاج و پدرش محمد حسین بود. به علت فقدان مدرسه در محل زندگی بالاجبار مدت ۷ سال پیش میرزاها و ملا های ده گلستان ویوستان و از این قبیل خواند. خودش میگوید "... به علت اینکه زبانم ترکی بود، چیزی از آنها عایدم نشد". پس از آن وارد مدرسه ای در عجب شیر شد ولی تنها توانست دوره ابتدایی را به پایان برد صفر نوجوان برای گذران زندگی خانواده به کار کشاورزی پرداخت. در آن موقع بخش زیادی از حاصل کار دهقانان نصیب مالکان میشد، دولت و ژاندارم هاهم حامی آنها بودند. مالکین عملاً صاحب اختیار جان و مال و ناموس دهقانان محسوب میشدند. صفرخان خود گفته است "... امروز ظلم و ستم و تجاوز به ناموس، فردا خبر از دردهای دیگر، هر شب ما با درد تازه ای سر به بالین میگذاشتیم و این رنج های روحی بود که آنروز ها مرا به مبارزه علیه این بی عدالتی ها کشاند". این زمان که مقارن بود با شهریور ۱۳۲۰، ورود متفقین به ایران و تبعید رضا شاه از کشور، صفرخان ۲۰ بهار را پشت سر گذاشته بود، با اوج گیری مبارزه دهقانان علیه خوانین و دولت که دیگر از قدرت چندانی برخوردار نبود، بسیاری از روستاییان منطقه برای کوتاه کردن دست اربابان، مسلح شده بودند. در این

میدادند. دوره آرامش برای حکومت پهلوی به پایان رسیده بود. وقایع بیرون از زندان، تأثیربلا واسطه ای بر درون زندانبانها میگذاشت و این، بر بی تابای های زندانیان می افزود. صفرخان و همبندان، این سالهای پر تب و تاب زندان را پشت سرگذاشتند و پایداری شان را به مقاومت میلیونی مردم کشور در ماه های انقلاب پیوند زدند و سرانجام صفرخان در ۴ آبان ۱۳۵۷ پس از تحمل ۳۲ سال زندان، همراه با بسیاری از همزمان، به نیروی توانای مردم از زندان شاه رهایی یافتند. محل سکونت صفرخان با هجوم بی سابقه مردم روبرو گردید خانه اش شده بود میعادگاه دوستداران و همبندان او. مردم گروه گروه به آنجا می رفتند و صفر خان را غرق بوسه میکردند.

رابطه عاطفی صفرخان با زندانیان جوانسیاسی از گروهها و سازمان مختلف به حدی بود که گاهی آنها تصور می کردند، به آنها پیوسته است. خود صفرخان می گوید در زندان افسران حزب را زیر فشار می گذاشتند که بگویند من عضو کمیته مرکزی حزب هستم. آنها انکار می کردند. البته من عضو افتخاری بودم.

صفرقهرمانیان (صفرخان) مظهر مقاومت مردم آذربایجان علیه ستم و بیداد صبح روز شنبه ۱۸ آبان در سن ۸۱ سالگی در بیمارستان ایرانمهر به علت بیماری سرطان ریه درگذشت. صفرخان شرف پایداری مردم کشور ما در مقابل استبداد و بی عدالتی بود.

یادش گرامی باد

صفر قهرمانی، قهرمانی از میان مردم...

در برازجان همبند بوده اند. آنها تا سال ۱۳۴۷ در زندان برازجان زندگی پر مشقتی را از سر گذراندند و در آبان ۱۳۴۷ به زندان قصر تهران منتقل گردیدند. صفرخان سالهای زندگی در زندان برازجان را سالهای مرگ تدریجی میدانست. در سال ۱۳۴۶ در برازجان بود که پس از ۲۰ سال اسارت برای اولین بار، دخترش همراه کودک شیرخواره اش به دیدار پدر و پدر بزرگ میروند نه پدر دختر را تاکنون به چهره دیده و میشناسد و نه دختر پدر را. آنها همدیگر رادرآغوش می کشند صفرخان دلش میخواست گریه کند ولی نکرد. نخواست زیر نگاه بیگانه پلیس احساسات خود را بروز دهد. دست روی قلبش گذاشت و دردل گریست. صفرخان در سال ۱۳۲۴ ازدواج کرده بود. ثمره این ازدواج دختری بود که صفرخان در تولد و نامگذاری او حضور و شرکت نداشت. نام او را مهین گذاشتند، زنی که با بچه اش برای اولین بار به ملاقات صفرخان آمده بود، مهین دختر صفرخان بود. از صفرخان سه نوه با نام های بهروز و بیبا و سارا به یادگار مانده است.

دوره ده ساله سوم زندان را صفرخان بیشتر در زندان های تهران، قصر و اوین گذراند در این دوره فضای زندان های شاه تغییر جدی کرده بود. زندان ها انباشته شده بود از جوانانی که شور و شیدایی دیگری داشتند. و به همان میزان مناسبات درون زندان را تحت الشعاع قرار

فرقه دمکرات آذربایجان

از توافق هسته ای ژنو استقبال می کند.

شرایط امنی برای غارت کشور داشته باشند. آنها ها که با بحران بالیده شده بودند با استفاده از شرایط تحریم ها پروارتر شدند و با لانه کردن در ارگانهای نظامی - امنیتی در تمام ارگانهای اجرایی - مقننه و قضایی کشور تأثیر گذار شدند و در نتیجه اقتصاد کشور را به نابودی کشاندند و جامعه را با یک بحران سراسری و همه جانبه روبرو نمودند. با این همه و علیرغم تمام فشارها و سرکوب های خونین، مردم از مبارزه برای کنار زدن نیروهای ارتجاعی و غارتگر پا پس نکشیدند. مردم در انتخابات اخیر ریاست جمهوری نیز نشان دادند که خواهان تغییر بنیادی در عرصه های گوناگون اقتصادی - سیاسی و فرهنگی می باشند. یکی از همین خواسته های حل بحران انرژی هسته ای و عادی کردن روابط با کشورهای غربی با حفظ منافع ملی کشور است. سرانجام کنش ها و واکنش های مردم با نیروهای اقتدارگرا و غارتگر به تسلیم خامنه ای در مقابل خواست و اراده آنها منجر شد. "نرمش قهرمانانه" نتیجه مبارزه مردم با سیاست های ویرانگر چند ده ساله رژیم در عرصه داخلی و بین المللی است. اینک سیاست خارجی ایران می تواند در مسیر تنش زدایی با کشورهای غربی، برای حل بحران هسته ای و منزوی کردن نیروهای افراطی و جنگ طلب در عرصه جهانی و داخلی گام بردارد. مشروط بر اینکه همزمان گام های موثری در عرصه های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی به نفع توده های مردم نیز برداشته شود. در آن صورت توافق در ژنو را می توان توافق تاریخی و سر منشاء چرخشی بزرگ برای برون رفت از بحران همه جانبه کشور دانست.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

پنجم آذر ۱۳۹۲

سرانجام مذاکرات هسته ای بین ایران و کشورهای ۱+۵ نتیجه داد. این توافق با استقبال جهانیان و شادی میلیون ها ایرانی مواجه شد. توافق ژنو گام مقدماتی برای هموار نمودن زمینه یک توافق همه جانبه تر و حل بحران هسته ای ایران با غرب ارزیابی شده است. اهمیت این توافق در حالی است که سیاست های مخرب و ویرانگر جمهوری اسلامی مخصوصا در دوران هشت ساله دولت احمدی نژاد، کشور را در زمینه انرژی هسته ای و هم در عرصه های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی با بحران همه جانبه روبرو کرده است. وضعیت اسفبار اقتصادی و سیاسی کشور و نارضایتی روزافزون مردم از شرایط موجود امکان بیشتری به نیروهای جنگ طلب و غارتگر جهانی داده بود تا برای تحمیل خواست و اهداف تجاوزکارانه اشان بیش از پیش امکان مانور پیدا کنند آثار ویرانگر تحریم های تحمیل شده از طرف کشورهای غربی همراه با تخریب صنایع تولیدی، کشاورزی و چپاول و غارتگری باندهای مافیایی که سر به هزاران میلیارد ریال می زند، کشور را به بن بست سیاسی خطرناکی کشانده بود. به همین خاطر مردم با حساسیت خاصی مذاکرات ژنو را پی گیری و با بیم و امید منتظر نتیجه نهایی آن بودند. توافقی که در ژنو رخ داد تا حدود زیادی این امید را به میان مردم برد که چرخش در سیاست خارجی برای تنش زدایی با جامعه جهانی، آغازی باشد برای تغییرات سیاسی و اقتصادی کشور. طی سی ساله گذشته، نیروهای معینی با طبل دشمنی با غرب به سرکوب خونین مردم پرداختند. آزادیهای دمکراتیک را نادیده گرفتند. حقوق خلقهای ساکن کشور را پایمال کردند. سازمانهای سیاسی و آزادیخواه را سرکوب نمودند. تمام این جنایت ها برای آن بود تا فضای مناسبی برای بقای خود و

بحران سوریه و تاثیرات آن

میان اکثریت مردم سنی مذهب در آن کشور دولت آینده بعد از سقوط رژیم اسد در سوریه یک دولت اسلامگرا به رهبری اخوان المسلمین باشد و این دولت به متحد استراتژیک دولت ترکیه در منطقه خاورمیانه تبدیل شود. که در صورت تحقق یافتن این هدف در سوریه دولت ترکیه می تواند به دو هدف مهم دیگر خود دست یابد. اولین هدف مربوط به رقابت منطقه ای میان دولت ایران و ترکیه می باشد. یعنی بعد از به حاکمیت رسیدن جریان اسلامگرای سنی در سوریه ارتباط میان شیعه های لبنان بخصوص تشکیلات حزب الله با دولتهای عراق و ایران قطع می گردد و باعث تضعیف همه جانبه دولت شیعه مذهب خاورمیانه به رهبری ایران خواهد گردید و در نتیجه تناسب قوای منطقه ای را به نفع ترکیه تغییر خواهد داد. البته دولت ترکیه برای پیشبرد و به نتیجه رساندن این استراتژی از حمایت و پشتیبانی دولت های آمریکا و اتحادیه اروپا بر خوردار می باشد. و بعنوان متحد دارای فعالیت های هم سو و هم آهنگی هستند.

دومین هدف مهمی که ترکیه در ارتباط با حوادث سوریه پی گیری می نماید جلوگیری کردن از تلاش کردهای سوریه برای بدست یافتن به حقوق و آزادی ملی خود می باشد. یعنی مانند آنچه در کردستان عراق اتفاق افتاد. یعنی اگر کردها در سوریه بتوانند حکومت ملی خود را تشکیل دهند تاثیر بسیار مهم و همه جانبه ای را در تقویت نمودن مادی و معنوی مبارزه کردهای ترکیه بر جا خواهد گذاشت. و از سوی دیگر کردستان سوریه می تواند به گذرگاه مهمی برای انتقال نفت و گاز کردستان عراق تبدیل شود. و این امکان را برای کردستان عراق به وجود خواهد آورد که از وابستگی جبری برای استفاده از اراضی کشور ترکیه برای انتقال خطوط نفت و گاز و فروش آن رهایی یابد. و بطور کلی آزادی کردستان سوریه نقطه عطف مهمی را در سرنوشت سیاسی کردهای خاورمیانه به وجود خواهد آورد. به دلیل همین نگرانی ها است که دولت ترکیه با استفاده کردن از امکانات سیاسی و دیپلماتیک و حتی امکانات نظامی خود سعی می نماید از دست یافتن کردها به اهداف مورد نظرشان جلوگیری نماید. مثلا کمک نظامی ترکیه به سازمان جبهه النصر و دولت اسلامی شام و عراق که شاخه های محلی القاعده در سوریه به جای جنگیدن با رژیم بشار اسد سرگرم مبارزه با کردهای سوریه در مناطق کردنشین آن کشور می باشند دولت ایران هم که یکی از حامیان مهم و تعیین کننده رژیم سوریه می باشد. سعی می کند با بهره گیری از تمامی امکانات موجود در سطح منطقه ای و جهانی از سرنگونی رژیم اسد جلوگیری نموده و از بهم ریختن موازنه قدرت در خاورمیانه به ضرر ایران جلوگیری کند. از جمله مهمترین اقدام های ایران برای کمک به رژیم سوریه عبارت است از کمک های نظامی و تدارکاتی به رژیم سوریه در جهت افزایش توانایی های مقاومتی رژیم سوریه است. در قبال ادامه جنگ با مخالفان آن رژیم است و در راستای همین فعالیت ها است که حزب الله لبنان و گروههای شیعه مذهب عراقی که برای تقویت توانایی نظامی رژیم اسد به سوریه اعزام شده اند، توانسته اند نقش مهمی را در جلوگیری کردن از پیشروی های نظامی مخالفان رژیم اسد ایفا نمایند. بموازات کمک های دولت ایران در جهت حمایت از حکومت سوریه، دولت روسیه نیز از نظر حمایت های

ادامه درص ۱۲

جنگ داخلی در سوریه و بحران های انسانی و سیاسی ناشی از آن با شدت و ابعادی روز افزون هم چنان ادامه دارد و تلاش های انجم گرفته از سوی مجامع بین المللی و کشورهای مختلف جهان برای ارائه و دستیابی به راه حلی که بتواند راهگشای حل این بحران بسیار خطرناک منطقه ای و بین المللی باشد ممکن نگردیده است.

دلیل اصلی عدم موفقیت در حل بحران سوریه دو عامل مهم و تاثیر گذار داخلی و خارجی می باشد. عامل اول یعنی عامل داخلی عبارت است از عدم پذیرش خواستههای مردم سوریه از سوی رژیم حاکم بر آن کشور می باشد که سیاست قهر و سرکوب بی رحمانه را به مردم آن کشور تحمیل نموده است. مردم سوریه هم مانند بخشی از جامعه جهانی خواهان تامین و برسمیت شناخته شدن حقوق انسانی و مدنی خود در حق تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود و کشورشان هستند و در راستای مبارزه برای دستیابی به این اهداف بود که مردم سوریه در ماه مارس سال 2011 و باپرهیز از شیوه های خشونت آمیز و در چارچوب راهپیمایی و تظاهرات خیابانی خواسته های خود را بیان نمودند. ولی رژیم حاکم بر سوریه با شدت هر چه تاملتر به سرکوبی خونین مبارزات مردمی در آن کشور پرداخت. که در نتیجه جنگ داخلی فاجعه باری را به کشته شدن بیش از 150 هزار نفر و آوارگی میلیونها انسان بی گناه گردید را به این کشور تحمیل نمود و در عین حال ویرانی و خسارات جبران ناپذیری را به زیر ساخت های اقتصادی و اجتماعی آن کشور وارد آورد و بدین ترتیب زمینه را برای مداخله طرفهای ذینفع خارجی چه در سطح منطقه ای و چه در محدوده جهانی فراهم نمود. جنبه مهم دیگری در ارتباط با عامل داخلی که موجب به بن بست رسیدن بحران سوریه است. عبارت است از عدم اتحاد و هماهنگی در اهداف تاکتیکی و استراتژیکی میان مخالفان رژیم سوریه می باشد. که بازدهی کمی و کیفی مبارزات آنها را به حداقل رسانده است. دلایل وضعیت بوجود آمده هم عبارت است از مداخلات نیروهای خارجی و نا همگونی و تفاوتی که در ساختار دینی مذهبی و ملیتی موجود است را می توان بیان نمود. دومین عامل مهم در تعمیق و به بن بست رسیدن در راه حل بحران سوریه عامل مداخله کشورهای خارجی است. برای توضیح بیشتر اگر مداخله منطقه ای را مد توجه قرار دهیم می توان به این نتیجه رسید که 3 کشور ترکیه، ایران و عربستان سعودی هر کدام سناریو و سیاستهایی را در ارتباط با دست یابی به اهداف خود در مسئله سوریه تدوین نموده اند که در صورت تحقق یافتن سیاست و سناریوهای هر کدام از آنها در سوریه می توان گفت که توازن قدرت در خاورمیانه را به نفع خود تغییر خواهند داد و به همین دلیل دست یابی به مخرج مشترکی که بتواند تامین کننده متوازن منافع این سه کشور در سوریه باشد بسیار دشوار و غیر ممکن به نظر می رسد. دولت اسلامگرای ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان هم زمان با آغاز شروع جنبش در سوریه با تمام قدرت از نظر تبلیغاتی، سیاسی و دیپلماتیک از مخالفان رژیم سوریه حمایت نمود و بعد از شروع جنگ داخلی در سوریه نیز فعالانه در امر تامین احتیاجات لجستیکی ارتش آزاد سوریه شرکت کرد و فعالیتش در این زمینه همچنان ادامه دارد. پیش بینی و امید دولت ترکیه در ارتباط با سیر تحولات آینده سوریه آن بوده و هست که با توجه به سابقه مبارزاتی سازمان اخوان المسلمین و بخصوص نفوذ آن در

بحران سوریه....

جبهه النصر و دولت اسلامی شام و عراق و گروههای کوچکتر سنی گرا که در داخل سوریه فعالیت می نمایند از حمایت همه جانبه دولت عربستان بر خوردار می باشند. در حال حاضر تنها تحول و خیر امیدوار کننده در ارتباط با تحولات سوریه برگذاری کنفرانس ژنو (2) در تاریخ 22 ژانویه سال 2014 می باشد که بر خلاف گذشته تمامی طرفهای درگیر در جنگ سوریه یعنی رژیم سوریه و همچنین نمایندگان مخالفان آن رژیم تمایل خود را به شرکت در این کنفرانس اعلام نموده اند. و هر دو طرف تعهد نموده اند که از هم اکنون تا زمان برگذاری کنفرانس ژنو(2) از انجام عملیات فراگیر نظامی خوداری نمایند. و نکته مهم دیگر عبارت است از امکان موافقت آمریکا و کشورهای اروپایی با شرکت نمایندگان دولت ایران در کنفرانس ژنو (2). این کنفرانس پنجره امیدی است که بتواند زمینه ساز حل بحران سوریه باشد. باید منتظر نتایج آن بود.

سیاسی و دیپلماتیک بخصوص با استفاده کردن از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل تا کنون توانسته است از شکل گیری یک اتفاق و اتحاد بین المللی برای حمله نظامی و یا اعمال محاصره اقتصادی جهانی بر علیه سوریه جلوگیری نماید. نقطه عطف حمایت های روسیه از رژیم سوریه به زمانی بر می گردد که دولت های اروپایی و آمریکا رژیم اسد را به استفاده کردن از سلاح های شیمیایی متهم نمودند و در صدد حمله نظامی به آن کشور بر آمدند. ولی مداخله همه جانبه روسیه نتیجه داد و رژیم سوریه از مواجه شدن با یک تهدید و خطر بزرگ نجات بخشید. و از سوی دیگر دولت عربستان سعودی با استفاده کردن از توانایی های پولی و مالی خود و از طریق تشکیلات سازی در مناطق سنی نشین عراق و سوریه و اردن سعی می نماید که موقعیت مهمی را در وضعیت حال و آینده سوریه کسب نماید. تشکیلات هایی مانند

آذربایجان ملی حکومتین اعلامیه سی

قبول انتدیکلری مسئولیت اوزره، اونلاری حفظ و حراست انتمه به مجبور دورلار. بو اموالی حیف و میل اندنلر آغیر جزالارلا مجازات گوره جکلر.

آرتیق آذربایجان ملی حکومتی تحقق تاپمیش، خالقین اراده سی ایله داخلی ملی دولتیمیز وجودا گه لیب، رسمی صورتده خالقیمیزین آرزو و آمالینی اجرا انتمه به باشلامیشدیر. خالق ایسه اوز ملی حکومتینه، وار قوه سی ایله مساعدت گوستریب اونون فعالیتی اوچون مناسب شرایط وجودا گه تیرمه لیدیر.

یوخاریدا قید اندیلدی کیمی دولت وار قوه سی ایله امنیتی حفظ انتمه به چالیشیر. اونا گوره خالق اوچون نگران اولماغا هنج بیر دلیل یوخدور. هر کس اوز ایشینه مشغول اولمالی، اوز ایسته دیبی کیمی یاشامالیدیر. بازار باغلاماق، مدرسه لری تعطیل اندیب، وحشت و اضطراب یاراتماغین معناسی یوخدور. حکومت اوز برنامه سینی خالقین احتیاجاتی اوزه رینده قورومشور. اونا گوره خالق ناراحت ائدن حادثه لره یول و نریمیه جکدیر. تصادفی حادثه لره ایسه چوخ تنز بیر زماندا خاتمه و نریله جک. ماجراجولار، آسایشی اخلال اندنلر صالح محکمه طرفیندن محاکمه و شدید بیر صورتده مجازات اولوناجاقلار. هنج بیر پیس اتفاق دوشمیه جکدیر. هنج کسین حقوقونا تعرض اولمایاقدیر. ملی حکومت نظمیه اداره سینی ته زه قوه لر، وسیع اختیارات ایله گوجلندیرمیشدیر. هرج و مرج و ناامنلیه آرتیق میدان و نریلمیه جکدیر. مخصوصاً مدرسه لریمیز همان سابق پروگراملارینی تعقیب انتمه لی محصللریمیز وار قوه لری ایله امتحانلارا حاضر لاشمالیدیرلار.

کندلرده و شهرستانلاردا ایسه جدی صورتده ایشه باشلانیب عادی حال وجودا گه له جک و دولت مامورلاری، فدایی لری و یا غیر مسئول اشخاصین دخالتی اولمادان اوز وظیفه لرینی انجام و نرمه به قادر اولاجاقلار. فدایی دسته لری انتظام آلتینا آلینب معین مرکز تابع اولاجاق، بو واسطه ایله هر بیر سوء حادثه احتمالینین قاباغی آلیناجاقدیر.

گندن چالیشین، آسوده اولون ملتیمیزین گه له جه بی و سعادتینی تامین انتمک اوچون قبول انتدیمیز وظیفه نی صداقت و ایمانلا انجام و نرین. دولت عموم هموطنلردن بونو طلب اندیر

آذربایجان ملی مجلسینین انتخاب انتدیبی آذربایجان ملی دولتی ایرانین استقلال و تمامیتینی حفظ انتمکله برابر، ایشه باشلامیغینی بو واسطه ایله بوتون خالقا اعلام اندیر؛

بو اعلامیه منتشر اولان گوندن (۲۱ آذر ۱۳۲۴) اعتباراً، مالکیت خصوصی محفوظ اولماق شرطی ایله بوتون آذربایجاندا اولان دولت اداره لری ته زه حاکمیتین تحت اختیارینا کنجیدیندن، عموم دولت مامورلارینا اوز وظیفه لرینی دوزگونلوک و صداقتله انجام و نرمه لری تاپشیریلیر.

ته زه دولتین امرلرینه اطاعت اندیب، اونون دستوری ایله رفتار ائدن کارمندلر اوچون مناسب ایش شرایطی وجودا گه تیریله جک، ایشله مکن امتناع ائده نلر ایسه کمال احترام ایله ایسته دیکلری بئره گوندریله جکلر.

آذربایجان ملی حکومتی خالقین سعادت و خوشبخت لیبندن اوتری قورولدوغو اوچون، عموم خالق فعالیتیه، دوزلولیه، آسایش و امنیتی حفظ انتمه یه، بیر-بیری ایله قارداشواری یاشاماغا دعوت اندیر.

امنیتی اخلال ائدن و خالقین مال، جان، ناموس و حیثیتینه تجاوز ائله ینلر، همچنین دولت مالینا خیانت الی اوزادیب دولت اداره لریندن سوء استفاده اندنلر و یا دولت اداره لرینده خرابکارلیق، مسامحه و اوز وظیفه سینده کوتاهلیق انتمک کیمی خاناننه تشبیرلر بروه و نرنلر ایسه خالقین دشمنی حساب اولونوب، ملت و دولت یانیندا نفرت و انزجار قازانماقدان علاوه، قانونی محکمه واسطه سی ایله مجازات اندیله جکلر.

هامیدان خالقا و اولکه یه خدمت و آذربایجانین گه له جه بی یولوندا جدیت گوزله نیر. دولت ایسه اونون شرایطینی وجودا کنیرمه یه چالیشاجاقدیر.

آذربایجان ملی وزیرلر هیاتی عین زماندا آذربایجاندا ماموریتلری اولان خارجی دولترین دیپلوماسی نماینده لرینه اطلاع و نریر کی، کما فی السابق اونلارین بین الملل قانونلار شرایطینده اولان حق و اختیارلاری کمال دقت و احترام ایله مراعات اولوناجاقدیر. همچنین دموکراتیک دولترین اتباع اینین آسایش و امنیتی حفظ انتمک یولوندا ملی دولت هنج بیر فداکارلیقدان خوددارلیق انتمه یه جکدیر. بوگوندن اعتباراً دولته متعلق اولان منقول، غیر منقول اموال، همچنین نقد و جنس و اعتبار ملی، دولت اختیارینا کنجیدیندن، اونلارین ساخالماغینا موظف اولان دولت مامورلاری، کنچمیشده و نردیکلری تعهد و

نگاهی به بحران اقتصادی کشور

بر اساس داده های مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

گروه های پردرآمد، توزیع درآمد "متعادل تر می شود اما فقر نیز به دلیل کاهش کمک های دولت به گروه های فقیر گسترش می یابد."

نکته مهم این است که دهک های میانی یا همان طبقه متوسط با رشد پائین و حتی منفی در مخارج خود مواجه شده و این به معنای "بدتر شدن توزیع" درآمد است به خصوص این که "طبقه میانی نقش اصلی را در رشد اقتصادی و کیفیت آن بازی می کند." در این گزارش آمده که دولت ۲۹ هزار میلیارد تومان بودجه برای اتمام ۵ هزار و ۵۴۰ طرح پیش بینی کرده بود در حالی که علاوه بر این پول، ۶۸ هزار میلیارد تومان دیگر نیز برای اجرای این پروژه ها اختصاص داده شد اما تنها ۱۴۰۰ طرح تمام شد و بقیه نیمه تمام باقی ماند. در فاصله سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ دولت ایران حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان برای اجرای پروژه های عمرانی هزینه کرده است در حالی که بیش از ۶۳ هزار میلیارد تومان آن به طرح هایی اختصاص یافته که باید تمام می شدند اما همچنان نیمه تمام هستند. در هشت سال دولت آقای احمدی نژاد سطح عمومی قیمت ها مدام در حال افزایش بوده و تورم که در سال ۱۳۸۹ که به ده درصد رسیده بود در پایان دولت از مرز ۳۷ درصد فراتر رفت، به گونه ای که مقایسه سال گذشته با سال ۱۳۸۷ نشان می دهد که هزینه زندگی "دوبرابر شده است."

دولت آقای احمدی نژاد در پی افزایش شدید درآمدهای نفتی در سال های گذشته راه حل اقتصاد کشور را در توزیع پول جستجو می کرد و برای همین هم دلارهای نفتی را به ریال تبدیل کرد و با تزریق آن به اقتصاد کشور، آتش تورم را شعله ور کرد. در نتیجه، با وجود دوبرابر شدن بودجه عمومی دولت "قدرت خرید اعتبارات هزینه ای و عمرانی دولت" کاهش پیدا کرده است و در واقع "بخشی از افزایش هزینه های دولت در اثر تورم مستهلک شده است."

گزارش مرکز پژوهش های طرح مهر آفرین را که بر اساس آن باید ۵۵۰ هزار نفر استخدام شوند، از جمله طرح هایی معرفی کرده که "سالانه بالغ بر ۱۵ هزار میلیارد تومان بار مالی به دولت تحمیل می کند و دولت جدید را با چالش های اساسی در تامین منابع این مصوبه مواجه می سازد."

هنوز سرنوشت این طرح به درستی روشن نیست اما برآورد مرکز پژوهش ها این است که اجرای آن آثار و تبعات "غیرقابل پیش بینی و غیرقابل جبرانی" به همراه داشته باشد.

با این گزارش مرکز پژوهش های مجلس گوشه از بحران اقتصادی کشور را نشان می دهد. اما واقعیت ها بسیار فراتر از آنچه گفته شده است، می باشد. گره کور اقتصاد ایران را باید در گرایش بیش از حد سرمایه گذاری در بخش غیر مولد دید باند های حکومتی با انسداد سیاسی که به جامعه تحمیل کردند، آزادانه و بدون دغدغه به چپاول و غارت کشور پرداختند. چاق و چله شدن بسیاری از رهبران سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی و تشکیل بنیادهای رنگارنگ تحت عناوین انقلابی و اسلامی و خیریه که همه از امنیت ارگانهای دولتی بر خوردار بودند و هستند. نه تنها بحران را شدند بلکه ریشه تولید ملی را زدند. دولت آقای روحانی اگر قبول کنیم که صادقانه قصد دارد تا کشور را از روند نابودی نجات دهد با چالشی بزرگ روبرو خواهد بود. برای موفقیت در این کار باید شرایط را به عقب برگرداند. بدون آزادی های دمکراتیک و بدون حمایت از تولید ملی نمی توان دست غارتگران را کوتاه و کشور را از وضعیت ناهنجار کنونی بیرون برد.

چندی پیش مرکز پژوهش های مجلس وضعیت اقتصادی ایران در هشت سال گذشته را در گزارش مفصلی بررسی کرده است. این گزارش نشان میدهد که وضعیت اقتصادی کشور در دوره هشت ساله ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد نسبت به دوره های قبلی نا مناسبتر و بحرانی تر شده است.

در این گزارش آمده است که میانگین رشد اقتصاد ایران در دوره هشت ساله آقای احمدی نژاد به ۳،۵۲ درصد رسیده است در حالی که متوسط رشد اقتصادی در دولت محمد خاتمی ۵،۷۳ درصد بود. علاوه بر این، در فاصله سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به ازای هر یک درصد رشد اقتصادی ۲۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار هزینه شده است در حالی که در دولت محمد خاتمی در فاصله سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ این رقم چهار و نیم میلیارد دلار بوده است. این گزارش می گوید که رشد اقتصادی ایران در سال گذشته خورشیدی منفی سه درصد بوده و در سال جاری منفی ۱،۳ درصد برآورد می شود. بنابر این گزارش، رتبه کسب و کار ایران در سال های اخیر "نامناسب تر" شده است و در "طی هشت سال اخیر دامن رو به بدتر شدن بوده است." مرکز پژوهش های مجلس تاکید دارد که در دولت آقای احمدی نژاد مدیریت منابع ارزی "مولد" نبوده و "روش هزینه کردن ارز در کشور به شدت نابهینه بوده است و بخش بزرگی از فرصت های توسعه ای در اقتصاد کشور به دلیل همین مدیریت ناکارآمد از دست رفته است."

آشفته گی بازار کار یکی از بخش های مهم گزارش مربوط به وضعیت بازار کار و اشتغال است که به نظر کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس به دلیل "آمار مخدوش" قابل بررسی نیست چون بنابر آمارهایی که منتشر شده، در حالی که وضعیت بازار کار از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ از یک روند منطقی برخوردار بوده ناگهان در فاصله سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ "به گونه ای کاملا معنادار متفاوت از روند چهل سال قبل است و اقتصاد ایران نمی تواند در پنج سال چنین تغییر روندی را در بازار کار خود تجربه کند." بنابر تحقیقی که اولین بار از سوی مسعود نیلی، استاد اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف و مشاور اقتصادی حسن روحانی رئیس جمهور انجام شده، دولت آقای احمدی نژاد در دوره هشت ساله، سالانه حدود ۱۴ هزار شغل ایجاد کرده است. آمارهای رسمی نشان می دهد که در فاصله سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تقاضای نیروی کار از بیست میلیون و ۸۴۰ هزار نفر به بیست میلیون و ۵۱۰ هزار نفر رسیده یعنی حدود ۳۰۰ هزار نفر کاهش پیدا کرده است. این به معنی از دست رفتن ۳۰۰ هزار فرصت شغلی در مدت پنج سال است. کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس با استناد به این آمار و مطالعات می گویند که این اطلاعات "نمی تواند گویای تحولات بازار کار باشد." حسن روحانی رئیس جمهور ایران در اجلاس مجلس خبرگان با ابراز نگرانی از وضعیت بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی گفته است: چهار میلیون و ۵۰۰ هزار دانشجو داریم و سالانه حدود ۹۰۰ هزار نفر آنها فارغ التحصیل می شوند و شغل مناسب تحصیلات می خواهند و اگر برای این مسئله فکری نشود در آینده با مشکل مواجه خواهیم شد. دولت آقای احمدی نژاد در دوره دوم ریاست جمهوری اش طرح حذف یارانه ها را اجرا کرد که با وجود انتقادهایی که در باره توزیع یارانه نقدی وجود دارد، از نظر مرکز پژوهش ها تا حدودی به بهبود توزیع درآمد منجر شده است اما "وضعیت دهک های آخر و اول بهبود یافته است و وضعیت دهک های میانی بدتر شده است." در عین حال این گزارش تاکید می کند که به دلیل شرایط رکود اقتصادی و افت بیشتر درآمد

مسائل حاد محیط زیست و پیامدهای آن

بخش دوم

در شماره قبلی روزنامه آذربایجان بخش نخست پرسش و پاسخ با پروفسور دکتر بهروز شکوری به اطلاع شما رساندیم.

اینک شما را با بخشی دیگر از این نوشته پر اهمیت آشنا می کنیم.

سوال: در مورد آلودگی تکنوژن نظر خودتان را توضیح دهید؟



گردد. برای ما شناسائی روابط بین آلودگی تکنوژن خاک با محصول دهی گیاهان کشاورزی و کیفیت محصول از اهمیت بسزائی برخوردار است. امروز با پژوهش های علمی پیگیر دانشمندان معین گردیده که آلودگی تکنوژن باعث تضعیف رشد و نمو و در مجموع زندگی گیاهان می گردد. در چنین شرایطی از نظر کیفیت محصول، مرغوبیت و ارزش غذایی خود را از دست می دهد.

در شرایط آلودگی تکنوژن تغییرات اساسی ارثی به وجود می آید و در نتیجه دوره پایداری خصوصیات مفید ارقام پر ارزش تقلیل می یابد. آلودگی تکنوژن منجر به تضعیف و یا از بین رفتن سیستم فعالیت ایمنی در ارگانسیم گیاه می گردد که آسیب پذیری آنها را به وسیله میکروب های امراض مختلف و موجودات مضر از زیاده می دهد.

منابع اساسی نشست فلزات سنگین به سطح زمین و خاک عبارت است از فضولات زائد صنایع فلزی، شیمیائی، پتروشیمی و معادن، برای مثال: هنگام تولید انواع کودهای پتاس به تعداد زیادی (۱/۳) مواد اولیه که در تولید آن بکار می رود فضولات زائد به عمل می آید. در پروسه تولید کود پتاسیم کلرید از سیلینیت با روشهای معمولی به مقدار زیادی مواد زائد هالیت و ترکیبات رسی، املاح و غیره تولید می گردد. در این پروسه به مقدار زیادی هم گاز تولید می گردد که به اتمسفر وارد می شود. کافی است گفته شود که برای تولید یک تن کلرید پتاس ۳-۴ تن مواد زائد تولید می گردد که در ترکیبشان تا ۹۰ درصد کلرید سدیم، ۹ درصد کلرید پتاسیم و غیره موجود می باشد. امروز همچنین معین گردیده که صنایع فلزی جهان سالانه در حدود ۱۵۴۶۵۰ تن مس، ۱۲۱۵۰۰ تن روی، ۸۹۰۰۰ تن سرب، ۱۲۰۰۰ تن نیکل، ۷۶۵ تن کبالت، ۱۵۰۰ تن مولیبدن، ۳۰/۵ تن جیوه به سطح زمین وارد می کند که مورد آلودگی منابع طبیعی می گردد. در مراکز و مجتمع های بزرگ صنعتی در نتیجه سوخت مواد فسیلی که در ترکیبشان تقریباً تمام فلزات تکنوژن موجود است باعث آلودگی شدید خاک می گردد. امروز همچنین معین گردیده که

در نتیجه سوخت دغال، نفت و سایر مواد فسیلی سالانه در حدود ۱۶۰۰ تن جیوه، ۳۶۰۰ تن سرب، ۲۱۰۰ تن مس، ۷۰۰ تن روی، ۳۷۰۰ تن نیکل به سطح زمین می نشیند که طبق اطلاعات بنیادهای زیست محیطی جهان سالانه در حدود ۲۶۰۰۰۰ تن سرب با گازهای و سانسط نقلیه به سطح زمین می نشیند. این مقدار

ادامه درص ۱۵

جواب «محیط زیست» محیطی که بشر زندگی بشر تشکیل می دهد و ما تمام مایحتاج زندگی خود را از آن تهیه می نمایم. «محیط زیست» مجموعه ای است از نظام زیستی زمین، که انسانها موظفند از بی نظمی و آسایش در این زیستگاه عمومی، تخریب بنیادهای آن که در واقع بمثابة نابودی جهان هستی است جلوگیری نمایند. ما باید با تمام دقت هوشیاری از هر گونه اخلال در روند پروسه های طبیعی جلوگیری نمایم. بی اعتنائی به قوانین حاکم بر طبیعت پی آمدهای بسیار خطرناکی را دارا است. نباید فراموش کرد که در طبیعت قانون و قصاص حاکم است و طبیعت ضربه های وارد بخود را با جواب جبران می کند. محیط زیست در بقای فیزیکی و رشد جسمی، روانی، اجتماعی انسانها اثر حیاتی دارد. لذا حفاظت از محیطی که در آن زندگی می کنیم یکی از مسائل حاد و کلیدی برای جامعه بشری است.

قرن بیستم به دوران زندگی ضد تقیض خود خاتمه داده و در صفحات تاریخ جایگزین شد. این سده از تاریخ برای بشریت ترقی و توسعه آورد و در ضمن بیش از شده های دیگر ضربات مهلکی به محیط زیست و منابع جهان وارد نمود. دو جنگ بزرگ و ویرانگر جهانی، صدها جنگ لوکال پیامهای وحشتناک برای بشریت و طبیعت بیار آورد و باعث نابودی صدها میلیون انسان و تخریب منابع طبیعی گردید. تخریب محیط زیست درسالهای بعد از جنگ دوم جهانی نیز توسعه زیادی یافت بخصوص آلودگی رادیو اکتیو ناشی از استعمال انرژی هسته ای، تولید و آزمایش سلاح های امحای عمومی هسته ای (در فضا، دریا و زمین) و غیره.

در نیمه دوم قرن ما، بخصوص در دهه های آخر آن جهان با شرایط تازه ای رو در رو بوده که در محافظت محیطی از این وضع بنا به شرایط بحرانی نام برده شد و زنگ خطر بحران محیط زیست جهانی بصد در آمد.

یکی از عوامل مؤثر در تخریب محیط زیست آلودگی تکنوژن می باشد. لازم به تذکر است که در قرن بیستم تکنیک وضعیت وسعت عظیمی پیدا کرد. این قرن با تکنیک پیشرو، مناسبات مخصوص بخود، صنایع عظیم بخصوص صنایع متالورژی، پتروشیمی، شیمیائی، تسلیحاتی و غیره دگرگونی وسیعی در طبیعت ایجاد نمود. توسعه سریع و فزاینده صنایع، منابع طبیعی را بطور فشرده به خدمت خود گرفت و شیوه های استثمار فزاینده منابع طبیعی را تحقق بخشید. امروز در نتیجه فقدان تدابیر مؤثر علمی برای پاکسازی محیط زیست صنایع مادر، بخصوص صنایع عظیم متالورژی، به مقدار زیادی گرد تکنوژن به فضا پرتاب می نماید که به یکی از عوامل مؤثر تخریب محیط زیست تبدیل گردیده. منابع اساسی آلودگی تکنوژن بیوسفر به شرح زیر می باشد.

۱- آلودگی خاک با ترکیبات زهر آلود و مسموم کننده و با فضولات صنایع تولیدی و همچنین وسانسط نقلیه و نفوذ این مواد به ارگانسیم گیاهان و محصولات کشاورزی و دامی.

۲- رسوخ مواد سمی به خاک و گیاه به وسیله کودهای شیمیائی.

۳- آلودگی اتمسفر به وسیله عناصر و مواد سمی شیمیائی.

۴- استفاده بی رویه و بدون کنترل فضولات مختلف به مقاصد کودی که باعث آلودگی خاک تضعیف توان حاصلخیزی آن می

رسیده که مسائل اکولوژیکی در مقیاس جهانی، منطقه ای و ملی الزاماً باید مطرح گردد. مسائل مربوط به محیط زیست دارای ابعادی پر ابعاد، در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فنی و فرهنگی است. لذا باید بطور علمی و با درک کامل پی آمدهای فلاکت بار آلودگی آن، بررسی گردد. یکی از عوامل مؤثر تخریب محیط زیست آلودگی تکنوزن می باشد که در سؤال قبلی ابعاد و پی آمدهای آن در بیوسفر بررسی گردید. با در نظر گرفتن مقیاس آلودگی تکنوزن و پی آمدهای فلاکت بار آن در بیوسفر ایجاد سیستم مشاهدات اختصاص مونیورینگ بر روی پارامترهای بیوسفر و بنیادهای آن بخصوص خاک بسیار الزامی است. لذا در زیر شرح مختصر در مورد این سیستم آورده می شود/

اهداف نظری و اصول تشکیل مونیورینگ اکولوژیکی به منظور تعیین و بررسی تغییرات آنتروپوزن در زمین، تغییرات موجود طبیعی لازم است سیستم مشاهدات اختصاصی بر روی وضع بیوسفر و خاک انجام پذیرد و تغییرات زائیده فعالیت های آنتروپوزن، انسانها بررسی گردد. همین سیستم مشاهدات و نظارت بنام مونیورینگ نامیده می شود. مقاصد کلی که به وسیله این سیستم مشاهدات و نظارت می تواند تحقق یابد به وسیله تشکیل مشاهدات وسیع و نظارت بر تغییرات وضعیت بیوسفر و گذشته نگری می تواند علمی گردد. در این بین مشاهدات دقیق بر روی تغییرات ناشی از فعالیت غیر اصولی انسانها، علل این تغییرات و عوامل آنها، منابع تأثیر بر آنها، ارزیابی این تغییرات تعیین و تشخیص میزان ثمره آنتروپوزن، پیشرفتها و تعیین روند تغییرات در بیوسفر باید انجام پذیرد. سیستم مونیورینگ سه عامل اساسی را در بر می گیرد:

۱- مشاهدات بر روی عوامل مؤثر در وضع محیط زیست و منابع طبیعی.

۲- ارزیابی وضعیت عینی موجود محیط زیست و منابع طبیعی.

۳- پیش فرض وضعیت محیط زیست (در مورد تغییرات بنیادی آینده)

بدین ترتیب مونیورینگ قبل از هر چیز سیستم مشاهدات ارزیابی و پیش فرض وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی میباشد. این سیستم در مورد اداره وضعیت کیفیت و فعالیت انسانی در محیط زیست مان نظریات ارائه نمی نماید ولی باید اظهار نمود که به منظور تشکیل صحیح و پر تحرک اداره کیفیت محیط زیست شرط اساسی عبارت از تشکیل سیستم مونیورینگ می باشد. سیستم مشاهدات گذشته نگر و اختصاص (مونیورینگ) می تواند مناطق محدود (لوکال) را احاطه نماید در این صورت مونیورینگ محدود و یا تمام کره زمین را در مجموع احاطه نماید که در آن صورت مونیورینگ عظیم نامیده شود.

در برنامه های مونیورینگ در روی خاک و اکولوژی بیش از همه پروسه های تجدید شونده و غیر قابل تجدید میکروپروسس ها، ساختار فونکسیونل (توان عملکرد اختصاص) خاک و همچنین نظریات مربوط به توسعه و تکامل خاک باید بررسی گردد. در واقع بررسی این عوامل قادر است اهداف کلی مشاهدات اختصاصی بر روی بیوسفر را بر آورد نماید. پایه و اساس مونیورینگ خاک، اساس نظری تغییرات در چهارچوب خاکشناسی ژنتیک استوار می باشد که دارای ۳ اصل اساسی است آنها عبارتند از عوامل تشکیل خاک، پروسه تشکیل خاک و خواص اساسی خاک.

استفاده دراز مدت از خاک برای مقاصد کشاورزی به تشکیل

ادامه درص ۱۶

تقریباً ۳ بار بیش از مقداری است که به وسیله صنایع متالوژی وارد خاک می شود.

یکی از عناصری که شدیداً آلودگی خاک را بعمل می آورد و مسموم کننده است عنصر کادمیوم می باشد. تجمع بیش از حد این عنصر در خاک محیط مسموم کننده ایجاد می کند که برای سلامتی انسان و احشام بسیار خطرناک است. این عنصر در ترکیب کودهای فسفوری به مقدار قابل توجهی موجود می باشد. کافی است گفته شود که فسفرینها در ترکیب خود در حدود ۵-۱۰۰ میلی گرم در کیلوگرم کادمیوم دارند که تقریباً تمام این مقدار به کود منتقل می شود. از آلوده کنندگان عنصر آرسنیوم دارای اهمیت می باشد. در بین کودهای شیمیائی بیش از همه سوپر فسفات در ترکیب خود آرسنیوم دارد (۳۲۱ میلی گرم در یک کیلوگرم) تجمع آرسنیوم به مقدار بیش از ۵۰ میلی گرم در یک کیلوگرم خاک مسموم کننده می باشد.

یکی از خطرناکترین آلوده کنندگان محیط و خاک جیوه می باشد که سم غذایی محسوب می شود. جیوه هم برای انسان و هم برای احشام و هم ازیان خطرناک است. تراکم جیوه بر سیستم اعصاب تأثیر منفی می گذارد. تراکم جیوه از لامپهای الکتریکی و حرارت سنجهای از کار افتاده، مصرف مواد محترقه فسیل ها، تولیدات صنعت کالر، قلیا، کارخانجات رنگسازی، الکتریکی، معادن، پالایشگاه ها و از صنعت کاغذسازی تولید می شود که بشدت محیط و خاک را آلوده می کند. روی یکی از عناصر مهم بیوزن و بیولوژیکی است. در ارگانسیم انسان و حیوان نقش بزرگ فیزیولوژیکی دارد. کمبود روی در ارگانسیم گیاه باعث بروز کلروز (زردی برگ) می شود. ولی اگر مقدار آن در خاک زیاد باشد رشد گیاهان و انسان محدود می گردد. بطوریکه می بینیم دایره آلودگی تکنوزن در طبیعت وسیع بوده و مبارزه با آن پر هزینه بوده و بسیار جدی باید تلقی گردد.

سوال: در نوشته ها و مقالاتتان به مونیورینگ و لزوم تشکیل آن در محیط زیست تأکید می کنید در این مورد بی زحمت توضیح دهید.

جواب - بطوریکه می دانید قرن بیستم قرنی بود که تخریب محیط زیست و اکوسیستم ها را به ارمغان آورد و بحران اکولوژیکی جهان را آفرید. امروزه دانشمندان به این عقیده هستند که تمایل جهانی برای نجات کره زمین از بحران تخریب و آلودگی به حدی رسیده که می توان انتظار داشت در آینده ای نه چندان دور، انقلاب زیست محیطی جهان را متحول کند و شرایط زیستی مناسبی را برای بشر به ارمغان آورد. البته قرن بیست یکم نیز قرن آلودگی محیط زیست، تخریب اکوسیستم ها، بیوسفر، تخریب فلاکت بار پرده اوزونی، پدیده های گلخانه ای، تخریب جنگلهای استوایی، آلودگی با مقیاس اقیانوسها و محیط زیست مان خواهد بود. اینها پیش فرض محقق علوم زیستی که با دلسوزی حوادث را پی گیری می نماید نبوده بلکه انعکاس وضع موجود در سالهای اول قرن حاضر در کره زمین می باشد. وضعی که بشریت را برای بقای خود مجبور به چاره اندیشی کرده است. امروز بشریت مترقی در صدد است که با درک مسئولیت خود راه ها و شیوه های علمی اداره فرآیندهای طبیعی و روابط متقابل اجتماع و طبیعت را شناسائی کرده نتایج سوء دخالت های خود بر روند فرآیندهای طبیعت را در مدت زمان و کوتاه مدت پیش فرض نماید.

امروز سرعت و مقیاس تخریب منابع طبیعی، آلودگی محیط زیست، پی آمدهای آن بیوسفر، تأثیر آن در اکوسیستم ها بجائی

مسائل حاد محیط زیست...

سیستم های طبیعی نسبتاً استریل (پاک) خاک - گیاه که دارای تشکیلات اختصاصی و روابط معینی که متفاوت از اکوسیستم های طبیعی می باشند می انجامد. علل اساسی تشکیل اکوسیستم های آبی جدید عبارت است از تعویض ترکیبات گیاهی بیوژنوسوز در شرایط پایداری تمام عوامل دیگر تشکیل خاک می باشد.

تغییر وضع اقلیم موجود خاک در آگرواکوسیستم ها باعث تغییر در ترکیب و وضع موجودات زنده خاک و توان عملکرد آنها می گردد. تمام اینها باعث تغییرات بنیادی در طبیعت و خواص اساسی خاکها گردیده و در مدت زمان باعث دگرگونی در ساختمان پروفیل آنها می شود. بدین ترتیب برای خاکهای آگرواکوسیستم، پارامترهای خواص آنها که دارای روابط و همبستگی متقابل می باشند مختص بوده و با شرایط جدید اکولوژیکی سازگار می باشند. تنظیم موجودیت آگرواکوسیستم ها و امکان فعالیت آنها در چهارچوب توان عملکردی نشان ایجاد تدابیر پایداری که بتواند تأثیر همزمان به تمام سنجش های اساسی آن بنماید الزامی است. سازمان خواروبار جهانی F.A.O در تنظیم برنامه های مربوط به پژوهشهای سیستم های آگرواکولوژیکی از همین روش استفاده کرده است. در آگرواکوسیستم ها تدابیر تنظیمی بر همین اساس باید انجام پذیرد و دارای پایه مونیوتورینگ باشد.

در دوره معاصر یکی از مسائل اساسی علوم مربوط به خاک عبارت است از درک هرچه عمیق تر نقش اکولوژیکی غیر قابل تعویض خاک در زندگی بیوژنوسوزهای خشکی و بیوسفر در مجموع می باشد. توان عملکرد اکولوژیکی خاک در پروسه های طبیعی به دو گروه اساسی تقسیم می گردد.

۱- توان عملکرد مربوط به بیوژنوسوزها.

۲- توان عملکرد عظیم و زمانی خاک.

حاصلخیزی خاک که در نتیجه فعالیت متقابل و روابط همه جانبه خواص اساسی خاک به وجود آمده و در واقع مفهوم اساسی آن بشمار میرود به گروه اول مربوط می باشد. حاصلخیزی در واقع محصول تمام خواص اساسی خاک بوده و تمام توان عملکرد گروه اول را در بر می گیرد. بدون درک نقش و مضمون اساسی حاصلخیزی خاک ایجاد سیستم پر ثمر و پایدار مونیوتورینگ اکولوژیکی و خاک که در مجموع متکی بر پیش فرض و تنظیم حاصلخیزی خاک باشد امکان پذیر نخواهد بود.

عوامل اساسی که بروز توان عملکرد اکولوژیکی خاک را تعیین می نمایند عبارت است از عوامل طبیعی، سنگهای نادر خاک ز، سطح خاک، و همچنین عوامل اکولوژیکی تشکیل و تکامل خود خاک می باشد.

از عوامل آنروپوژن، تدابیر آگروتکنیکی (شخم، سیستم کودی و سایر). این عوامل دینامیک (تغییر کننده) بوده و در مدت زمان در تکامل می باشند. فعالیت متقابل در بین آنها به وسیله تنظیم مدلها مشابه (مدلها نشان دهنده پروسه های خاکی) و اطلاعاتی که این مدلها می آورند می توانند ارزیابی گردند. این اطلاعات قادرند برای پیش فرضهای مشخص کننده تغییرات توان باردهی اکوسیستمهای طبیعی و آگروسیستم ها و پایداری آنها مورد استفاده قرار گیرند.

بدین ترتیب به منظور درک همه جانبه تغییرات بنیادی ناشی از آلودگی، بخصوص آلودگی تکنوژن بیوسفر، گذشته نگری و

تنظیم تدابیر کلی برای مبارزه با آلودگی محیط زیست و بیوسفر ایجاد سیستم پر ثمر و پایدار مونیوتورینگ اکولوژیکی الزامی به نظر می رسد.

سوال: بنظر جنابعالی آلودگی زیست محیطی چه تغییراتی در دستگاه های ارثیت آنها می گذارد؟

جواب - در سالهای آخر قرن بیستم، نظر و دقت دانشمندان و محافل علمی جهان در شرایط بحران کنونی اکولوژیکی به یک سری مسائل مهم از جمله راه ها و شیوه های محافظت از دستگاه ارثیت آنها جلب گردیده است. پژوهش های بنیادی در مراکز علوم ژنتیک جهان بخصوص در اتحاد شوروی سابق نشان داد که در اکثر جانداران بخصوص در انسانها آلودگی تکنوژن، پرتوافشانی هسته ای باعث بروز موتاژ نیز می گردد که وضع پوتولوژیکی در ارگانسیم بعمل می آورد.

آلودگی ناشی از پرتوافشانی هسته ای، آلودگی با منشاء تکنوژن باعث تغییرات بنیادی در سلولها گردیده، و تأثیر منفی در دستگاه ژنتیک، کروموزوم و ارثیت می گذارد که عواقب وخیمی نه تنها برای نسل حاضر بلکه برای نسلهای آینده هم دارد. یکی از خصوصیات وضعیت کنونی اکولوژیکی در کشورهای پتانسیل بزرگ صنعتی عبارت از آن است که در بیوسفر به مقدار بسیار زیادی کنوبیوتیکها (Convobiotik) که محصول تولیدات صنایع سنگین، موسسات صنعتی کشاورزی، داروسازی و فعالیت روزمره انسانها است تجمع یافته است.

این مواد دارای خواص مسموم کننده آنها بوده و خواص اساسی دستگاه و ساختمان ژنتیک را نابود می کند و در نتیجه تأثیر کنوبیوتیکها تغییرات ارثی پوتولوژیکی در ارگانسیم زنده بخصوص در انسانها تظاهر می نماید و فعالیت عادی ارگانسیم بهم خورد.

نتیج پژوهش های دراز مدت دانشمندان برجسته جهان دوبینین (Dubinin) (۱۹۹۰) و آلتوخوف (Altoukhow ۱۹۸۰) بورگارد (Burgard ۱۹۹۳) نشان داد که کنوبیوتیکها تأثیرات بسیار منفی در ژنهای موجودات زنده بجای می گذارد.

در شرایط معاصر از دید فزاینده بحران اکولوژیکی یک سری مسائل بسیار مهم از جمله تشخیص شیوه های محافظت از دستگاه ارثیت آنها را در مقابل دانشمندان قرار می دهد. این مسائل که بسیار با اهمیت می باشد تشخیص پتانسیل موتاژنی ناشی از تأثیرات رادیواکتیویته، فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی روی تغییرات ژنتیکی در حیوانات، میکروارگانسیم ها، گیاهان، ویروسها، بخصوص تطبیق تدابیر و اقدامات پیشگیری از حوادث ژنتیکی که آلودگی محیط زیست را به بار می آورد و بخصوص تدابیر تکنولوژیکی نیز از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و امروز یکی از راه های موثر و آینده ساز در تقویت قدرت مقاومت و تحکیم دستگاه ژنتیکی ارگانسیم بشمار می رود.

پژوهشهای آنتی موتاژنیکی از زمان کشف آن از طرف نوویزلارد (Novieezilard ۱۹۵۲) امکان تشخیص موارد زیادی را به محققین داد. پژوهش های علمی همچنین امکان تشخیص قانونمندی تأثیر این مواد، مکانیزم دفاع آنتی موتاژن و نیز راه های تطبیق آنها را نشان داد. امروز در محافل علمی زیست محیطی، انستیتوهای ژنتیک، موسسات مهم دانشگاهی جهان، دانشمندان در جستجوی راه های مبارزه با پدیده موتاژنی می باشند.